

آذربایجان

دوره پنجم شماره ۱۳۵ آبان ۱۳۹۶

ناشر افکارفرقه دموکرات آذربایجان

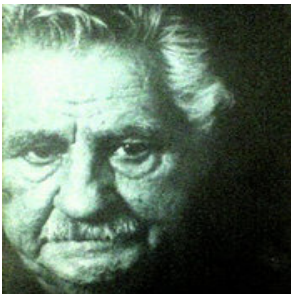


به یاری زلزله زدگان بشتابیم

به گزارش رسانه های عمومی زلزله 7.3 ریشتری شب گذشته در اکثر استان های غربی و جنوب غربی کشور، و مناطق همجوار کردستان عراق، باعث ویرانی بسیاری از شهر ها و روستاها شده است. بر اثر این زلزله صدها نفر جان خود را از دست داده اند و هزاران نفر نیز زخمی شده اند.

ادامه درص ۲

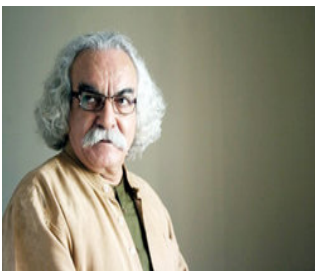
یاد صفرخان قهرمانی و غم رفتن علی اشرف درویشان!



نوزدهم آبان امسال، مصادف بود با پانزدهمین سالگرد سفر ابدی صفرخان قهرمانی، اسطوره جاودانه زندان های رژیم شاهنشاهی در ایران. و چهارم آبان ماه امسال، یعنی درست پانزده روزمانده به پانزدهمین سالگرد صفرخان قهرمانی، انسان شریف و برگوار دیگری چشم بر جهان بست و ما را ترک کرد.

ادامه درص ۲

انتقاد تند سیدعلی صالحی از عدم صدور مجوز برای آتش؛



وی در یک یادداشتی نوشته است: چه چپاراست کندوکاو کنند، چه از پایین به بالا بخوانند، نکته خاص و معینی از این مجموعه شعر دستگیرتان نخواهد شد چون سراسر این دفتر «نکته» است. متخصصین سانسور چقدر باید این دفتر را زیر و رو کنند! در دوره مدعیان اعطای آزادی بیان! متن کامل این یادداشت بدین شرح است:

ادامه در ص ۳

اوکتیابر بایرامی بوتون دنیا زحمتکشترین بایرامیدیر.



دنیا صلحینی حفظ اتمک اوغروندا بوتون زحمتکشلر سارسیلماز بیر اتحاد تشکیل وئرملیدیرلر. یاشاسین کوله رسمی لغو ائدن شانلی اوکتیابر بایرامی!

دوئن اوکتیابر بایرامینی بوتون بشریتین دنیا زحمتکشلری صلح شرانیتینده جشن توتورلار. اوکتیابر بایرامینین ۲۹- جو ایل دونومو آلمان فاشیزمی و ژاپن امپریالیزمینین محو اولدوغو بیر زاماندا آزادیخواه و صلح سنوه ن ملنلر طرفیندن جشن توتولور. بو گون بوتون زحمتکشلرین قوه لری بوتون یئر اوزونده نمایش ائتدیریلر. محاربه زمانیندا محاربه نین ان آغیر و چتین شرطلری زحمتکشلرین عهده سینه اولاراق زحمتکشلر اوز سارسیلماز قدرتلرینی بیرتیجی فاشیزم قوه لرینه و هابنله فاشیزم جانوارینی اوز قوجاغیندا بئجه ره ن دنیا امپریالیزمینه اثبات ائتدی. بو محاربه ده اوکتیابر انقلابینین نتیجه لرینی بشریته دشمن اولان امپریالیزم آیدینجا دوشونه رک اونون یئر اوزونده نه کیمی تأثیر ائتدیگینه ده ایمان گنیردی.

ادامه درص ۴

انقلاب اکتبر افق دیگری برای آینده باز کرد ۵ ص

ایران پنج برابر کشورهای پیشرفته ۸ ص

به مناسبت یکصدمین سالگرد انقلاب اکتبر ۹ ص

ایران اسلام شورا مجلسی ۱۳ ص

کتابداری مدرن در ایران به روایتش آفری ۱۶ ص

جمهوری فدرال خواست همه ملل و اقوام ایران است!

به یاری زلزله زدگان بشتابیم... هوشنگ بازوند در جلسه ستاد مدیریت بحران استان کرمانشاه خبر از خسارت وارده به هفت شهر و ۱۹۳۰ روستای این استان داده است. وی ابعاد خسارت وارده را به روزهای آینده موکول کرده است.

رسانه ها مرکز اصلی وقوع زمینلرزه را استان کرمانشاه گزارش داده اند. به گزارش رسانه های بین المللی شدت این زلزله به حدی بوده است که تکان های آن در دیگر کشورهای خاورمیانه و نیز استان های مرکزی و جنوب ایران نیز احساس شده است.

گزارش ها حاکی از ادامه پس لرزه ها در شهرهای استان کرمانشاه تا بعدازظهر امروز می باشد. عمده خرابی های ایجاد شده بر اثر این زلزله در روستا های استان کرمانشاه و از جمله در اطراف شهرهای سر پل ذهاب و گیلان غرب بوده است. بیمارستان سر پل ذهاب در اثر زلزله ویران شده است. خبرهایی که از طریق رسانه های مجازی منتشر شده است نشان میدهد که ابعاد فاجعه به مراتب بیشتر از آنی است که

فرقه دمکرات آذربایجان ضمن اعلام همدردی با همه آسیب دیدگان زلزله، از همه مردم انساندوست کشور، بویژه از آذربایجانی ها می خواهد مثل همیشه به یاری آسیب دیدگان این فاجعه بشتابند. بدون تردید همیاری مردم از گسترش این فاجعه خواهد کاست و مرهمی بر جراحت بازماندگان خواهد بود.

کمیته مرکزی فرقه دمکرات آذربایجان

۲۲ آبان ۱۳۹۶

ها و دیگر آثار قلمی علی اشرف درویشان به روی زندگی خنیده، گریسته و آموخته اند.

علی اشرف درویشان که زاده ۱۳۲۰ در کرمانشاه بود، چند سال پایانی عمرش را به علت سکتة مغزی، در بستر بیماری گذراند، آثار داستانی و پژوهشی ارزشمند و ماندگاری از خود به یادگار گذاشت که می توان از مجموعه داستان های: " از این ولایت"، " آبشوران"، " فصل نان"، " همراه داستان های بابام"، " گل طلا و کلاش قرمز"، " روزنامه دیواری مدرسه ما"، " کی برمگردی داداش"، " رنگینه"، " سلول ۱۸"، " ابرسیاه هزارچشم"، " داستان های محبوب من"، " آتش در کتابخانه بچه ها"، " چون و چرا"، " درشتی"، " قصه های آن سال ها"، " یادمان صمد بهرنگی"، " کتاب رمان - خاطره چهار جلدی " سال های ابری"، " مجموعه بیست جلدی فرهنگ افسانه های ایرانی با همکاری آقای رضا خندان مهابادی، "واژه نامه گویش کرمانشاهی"، " افسانه ها و مثل های کردی" و سرانجام گفتگو، تدوین و تنظیم زندگینامه

یاد صفرخان قهرمانی...

انسانی بی پیرایه، افتاده و مهربان که نام گرامیش، همواره در دل های مردم زحمتکش و آزاد اندیش ما ماندگار خواهد بود و عطریادش در باغ زندگی همواره جاری خواهد ماند.

علی اشرف درویشان، یار دیرین، هم بند و هم اندیشه صفرخان، نویسنده مهربان و غم خوار مردم، نیز ما را ترک کرد.

اگرچه نام صفرخان قهرمانی، همچون نلسون ماندلا، برای بسیاری از مردم ایران و جهان، نام آشنائی است، نام علی اشرف درویشان نیز، همچون یار و هم سنگر دیرینش صمد بهرنگی، خالق " ماهی سیاه کوچولو"، در میان مردم کتاب خوان ایران، و هم چنین در میان بخشی از روشنفکران مترقی و اهل کتاب جهان، نام نا آشنائی نیست.

حداقل یکی دونسل از جوانان دیروز ایران، یعنی دختران و پسران پا به سن گذاشته امروز که آسیاب روزگار، دست نوازش برموی سیاه دیروزشان کشیده، با قصه ها، داستان

1378 توسط نشر چشمه در ایران به چاپ رسید.

البته این را هم باید گفت که کتاب خاطرات صفرخان به همت علی اشرف درویشیان، دومین کتابی بود که با عنوان خاطرات صفرخان قهرمانی به زیور چپ آراسته می شد.

کتاب اول با نام «لحظاتی از زندگی صفر قهرمانیان (32 سال زندگی و شکنجه...)» توسط آقای بهروزحقی در سال 1372 در شهر کلن آلمان به چاپ رسید.

من که میدانستم بهروز، در تدارک نوشتن زندگی نامه صفرخان است، از صمیم دل شاد بودم. خود صفرخان نیز بسیار خوشحال بود که بالاخره داستان زندگی پررنج و شکنجش به رشته تحریر در می آید و به صورت کتاب چاپ می شود.

مدتی پس از چاپ کتاب بهروز، روزی من برای پرسش در مورد مسئله ای، به خانه صفر خان در تهران تلفن کردم، صحبت مان که تمام شد، قبل از خداحافظی، با این تصویر که

است، خواستم به او تبریک بگویم، اما تا صحبت به کتاب و صفرخان حتمن از چاپ کتاب خاطر ازش در آلمان خوشحال بهروز رسید، احساس کردم لحن خان کاملن تغییر کرد. او با لحنی تند و ناراضی حرف مرا قطع کرد و گفت:

«... چی؟... چی میگی... کدوم کتاب؟... اون مال من نیست.

مال خود بهروزه... مال خودش نوشته...»

چند سالی از این ماجرا گذشت تا اینکه در سال 1378 به همت

و پشتکار علی اشرف درویشیان کتاب «خاطرات صفرخان»

(صفر قهرمانیان) سی و دو سال مقاومت در زندان های شاه

در گفتگو با علی اشرف درویشیان» از چاپ در آمد. شادی

خان حدی نداشت. هر وقت که صحبت از کتاب خاطر ازش می

شد، می گفت: «درویشیانین اللری آغریماسین» و شادی

ورضایت و امتنان در صدایش موج میزد.

اکنون، نه صفرخان مانده است و نه درویشیان، هر دورفته

اند. هر دو به ابدیت پیوسته اند. اماعطر یادشان در هوا پر است.

نام و یاد هر دو گرامی باد.

انتقاد تند سید علی صالحی....

دایره بررسی کتاب و صدور مجوز چاپ (وزارت ارشاد) به چه حقی کتاب مرا در نوعی فراموشی و در توقیفی هفت ماهه زمین گیر کرده است؟ «سرود روح بزرگ» تازه ترین دفتر شعر من ماهها است که از سوی موسسه انتشاراتی نگاه به دایره مربوطه سپرده شده بلکه پروانه عبور از آخرین تنگناها میسر شود. پس کو، کجا، کی و چرا!!؟

«سرود روح بزرگ» در این روزگار کوچک پرور به سایه رانده شده است. به چه حقی با حیات ما بازی می کنید؟ مگر متخصصین سانسور چقدر باید این دفتر را زیر و رو کنند آنهم در دوره مدعیان اعطای آزادی بیان(!)

چه چپراست کندوکاو کنند، چه از پایین به بالا بخوانند، نکته خاص و معینی از این مجموعه شعر دستگیرتان نخواهد شد

چون سراسر این دفتر «نکته» است.

بعد از دهه های متوالی؛ اعمال وحشت انتظار برای کسب

مجوز برای تک تک آثارم نتوانسته خسته و ناامید و منزوی ام

کند. این قدرت اهل قلم مستقل است. آنها که در دایره بررسی

کتاب آثار امسال مرا رصد می کنند احتمالا باید با شعر مدرن

فارسی آشنا باشند و چه بسا شاعر ... ! این متخصصین باید بدانند

صدای روح بزرگ، خاموش نمی شود.

من مثل همه این دهه ها باز هم صبوری می کنم، اما صبر هم

حدی دارد اگر طاقت از کف برود، این مجموعه را در

شبکه های مجازی منتشر و منعکس خواهم کرد. مدعیان وفور

پرفوران آزادی بیان بدانند نه امید واهی و نه تدبیر محتاطشان

هیچ دردی را درمان نکرده است.

اوکتیابر بایرامی بوتون دنیا...

شوروی ملتزینین، داها دوغروسو اوکتیابر انقلابینین قوجاغیندا پرورش تاپان سوونت اتفاقی خالقلارینین فاشیزمه قارشلی آپاردیقلاری آمانسیز محاربه بو مقدس انقلابین نه کیمی محکم پایه لری اوزه ربنده قرار توتدوغونو جانلی بیر شکیلده بوتون دنیا ملتزیننه ثابت ائتمیشدیر.

یالنیز اوکتیابرین ایلهام وئریجی شرفلی انقلابی سایه سینده ایدی کی، قودورغان باسغیجی قوه لرین قارشیسیندا شوروی ملتزلی میلیونلارجا قربانلیق وئردیکن سونرا دایانیب و اونلاری بوغماغا محکوم ائندیلر.

اوکتیابر بایرامی تک شوروی ملتزینین بایرامی دئییل، بوتون دنیا زحمتکشلرینین بایرامی ساییلیر. استثمار و استعمار زنجیرینده اینله نن زحمتکشلر اؤزلرینه نجات وئرمک اوچون بو مقدس گوندن ایلهام آلیرلار.

دنیا زحمتکشلری بو ایل اوکتیابر بایرامینی صلح شرطلری

آلتیندا توتماقلا برابر بیلمه لیدیرلر کی، یالنیز اونلارین بیرلیگی و سارسیلماز وحدتلی بشریتین آزادلیغینا ضامیندیر. فاشیزم اولموشسه ده فاشیزمین آناسی اولان امپریالیزم قالی و اونلارین آزادلیغین هده له بیر.

زحمتکشلر اؤز اجتماعی قدرتلریندن بشریتین کوله لیگینه سون قویماق اوغروندا غلبه لردن- غلبه لره دوغرو حرکت ائتملیدیر.

ملتزین اراده سیندن باشقا هنج بیر زاد بشریتین آزادلیغینا ضامین اولای بیلمز...

یاشاسین دنیا زحمتکشلرینین مقدس و شرفلی بایرامی اوکتیابر!...

"آذربایجان" قزنتی، نمره ۵۵ (۳۴۴)

آذربایجان دمکرات فرقه سینین اورقانی

۱۷ آبان سال ۱۳۲۵

انقلاب اکتبر عید همه زحمتکشان جهان

دادن میلیونها قربانی، در برابر نیروهای ددمنش فاشیزم مقاومت کرده و پیروز شدند. این غلبه تنها در سایه آموزه های این انقلاب کبیر ممکن شد.

انقلاب اکتبر نه تنها عید ملل شوروی است، بلکه عید همه ملل دنیا بشمار میرود. زحمتکشان در مبارزه برای رهائی از یوغ استثمار و استثمار از آموزه های انقلاب اکتبر الهام می گیرند.

امسال در شرائط صلح جهانی زحمتکشان ملل جهان سالگرد انقلاب اکتبر را جشن می گیرند، باید بدانند که تنها اتحاد آنها رمز پیروزی و نجات بشریت است. با اینکه فاشیزم مرده، اما مادر فاشیزم یعنی امپریالیزم هنوز زنده است و آزادی آنها را تهدید میکند.

زحمتکشان برای پایان دادن به بردگی انسان تنها با نیروی جمعی و با پیکار ممتد خود می توانند پیروز شوند. تنها با اراده راسخ ملل جهان می توان بشریت را از یوغ بردگی نجات داد.

زنده باد انقلاب اکتبر، عید زحمتکشان جهان!...

سر مقاله روزنامه "آذربایجان"

ارگان فرقه دمکرات آذربایجان دوره دوم شماره ۵۵ (۳۴۴)

۱۷ آبان سال ۱۳۲۵

روزنامه آذربایجان 17 آبان 1325

برای حفظ و حراست صلح جهانی همه زحمتکشان بایستی بین خود اتحادی محکم تشکیل دهند.

زنده باد عید شکوهمند انقلاب اکتبر، انقلابی که به رژیم بردگی پایان داد!

دیروز در شرایط صلح همه زحمتکشان جهان انقلاب اکتبر را جشن گرفتند.

ببست و نهمین سالگرد انقلاب اکتبر در شرائط غلبه بر فاشیزم آلمان و امپریالیزم ژاپن از طرف نیروهای آزادیخواه و صلح دوست جشن گرفته می شود. نیروهای زحمتکش در همه نقاط جهان با برپائی نمایش و میتینگها این روز را گرمی میدارند.

زمان جنگ سنگینی همه مشکلات و سختیهای جنگ بر دوش زحمتکشان قرار میگردد. زحمتکشان با غلبه بر نیروهای ددمنش فاشیزم و حامیان آنها(امپریالیزم) اراده و قدرت خلل ناپذیر خود را به ثبوت رسانیدند. در این جنگ امپریالیزم، دشمن بشریت آشکارا به چگونگی تأثیر انقلاب اکتبر پی برده و به نیروی شگرفش ایمان آورد.

ملل اتحاد شوروی و یا بهتر است بگوییم مللی که در آغوش انقلاب اکتبر پرورش یافته بودند، در مبارزه با فاشیزم بطور زنده قدرت لایزال این انقلاب را به همه خلقهای جهان نشان دادند. در این پیکار خلقهای اتحاد شوروی با الهام از انقلاب اکتبر و با

انقلاب اکتبر افق دیگری برای آینده باز کرد

دکتر محمد حسین یحیایی



انگیز آن آغاز کردند، هنگامی که دول امپریالیستی خود گرفتار بحران شدید اقتصادی (1929) شدند و اتحاد شوروی به رشد سریع و همه جانبه خود ادامه داد، به خشم آمدند و به پرورش فاشیسم (هارترین و سیاهترین چهره سرمایه داری) پرداختند تا به جان اتحاد جماهیر شوروی بیاندازند. در این راستا از همه ابزار تبلیغاتی و مالی خود استفاده کردند.

آرزوی بشر در طول تاریخ رسیدن به عدالت و پیشگیری از استثمار انسان از سوی انسان دیگر بود، و در تاریخ 6 هزار ساله گذشته که مازاد محصول از سوی طبقه حاکم تصاحب شد، بیعدالتی و استثمار هم ادامه یافت، طبقه حاکم با استفاده از زور، سیاست، ایدئولوژی خود ساخته و دین به استثمار بی رحمانه خود ادامه داد، هر بار که روستائیان فقیر و بردگان به ستوه آمده، بصورت خود جوش، فردی و گروهی بدون پیشآهنگ و پیشرو برای نجات خود تلاش کردند به سختی سرکوب شدند و گاهی هم با اتحاد، قیام کردند (قیام بردگان در رم به سرکردگی اسپارتاکوس و یارانش)، هرچند آنان هم شکست خوردند ولی برای مدت کوتاهی طعم و لذت آزادگی را حس کردند، اینگونه جنبش ها در دوران های مختلف با توجه به شرایط اجتماعی و اقتصادی ادامه یافت تا بعد از انقلاب صنعتی چهره نوینی بخود گرفت. کارگران صنعتی هرچند برده نبودند ولی به شکل بی رحمانه و خشنی استثمار می شدند، جنبش کارگری در کشور های صنعتی به شکل های مختلف به نمایش در می آمد و در نهایت کمون پاریس پیش آمد و برای نخستین بار زحمتکشان فرانسوی در سال 1871 برای مدت کوتاهی (کمتر از 3 ماه) قدرت سیاسی و اداره پاریس را در دست گرفتند، کمون پاریس با همه فداکاری ها و

از مدت ها پیش به مناسبت 100 مین سال انقلاب اکتبر نوشته هایی بصورت کتاب و مقاله منتشر و یا فیلم و مستند های تصویری از آن حادثه مهم تاریخی و اجتماعی در قرن گذشته به نمایش گذاشته می شود که گاهی با واقعیت های انقلاب اکتبر همسویی دارند و گاهی هم با انکار واقعیت ها و ماهیت انقلاب اجتماعی در روسیه استبداد زده و چشم پوشی از بزرگترین تجربه بشر برای رهایی از استثمار به آن خشم می ورزند.

انقلاب اکتبر که در 7 نوامبر 100 ساله می شود، این انقلاب اجتماعی افق جدیدی به روی انسان در سراسر جهان گشود. این اولین تجربه بشر در قرن بیستم بود که تلاش ورزید تا صلح را جایگزین جنگ و روشنایی را جایگزین تاریکی و تاریک اندیشی و استثمار کند. در نتیجه در روند رو به تکاملی خود، تحول و دگرگونی عظیمی در جنبش جهانی به نفع محرومان و استثمار شوندهگان آفرید، انقلاب اکتبر در راستای رفع استثمار انسان از انسان، بر قراری عدالت اقتصادی، برابری سیاسی و برچیدن جامعه طبقاتی و تاسیس جامعه بی طبقه و عدالت محور، نظر میلیون ها کارگر، زحمتکش و روشنفکر جهان را که در معرض استثمار سرمایه و تحقیر حاکمان مغرور، متکبر و خودخواه آن بودند، به خود جلب کرد و نهال امید به رهایی و غرور را در دل آنان کاشت، از آن رو به سرعت جایگاه واقعی خود را در جهان بی عدالت و خشونت ورز نظام سرمایه داری که بر روی فلاکت مردم آشیانه رفاه برای خود ساخته بود، پیدا کرد و مورد استقبال کارگران و زحمتکشان جهان قرار گرفت. این روند خوشایند امپریالیسم جهانی و سرمایه داران جنگ طلب آن نبود، از آن رو از همان روز های نخست، خشم و دشمنی خود را به شیوه های گوناگون نشان دادند، در چند سال نخست در انتظار شکست آن روز شماری می کردند، در نتیجه از شناسایی آن در سرزمینی بزرگ با تفاوت های فرهنگی، دینی و زبانی بزرگتر، سر باز می زدند (بریتانیای کبیر، دولت شوروی را تا سال 1923 به صورت دفاکتو می شناخت). بنابراین برای شکست و نابودی آن از همان سال های نخست، تبلیغات وسیع و گسترده ای را بر علیه آن و دستاورد های بزرگ و شگفت

روشنفکران شهری حمایت می شد، قدرت سیاسی و اداری سرزمین بزرگ و پهناور امپراتوری روسیه را در دست گرفتند. جنگ طولانی، دوران گذار از استبداد تزاریسیم به دمکراسی اجتماعی، نابسامانی اداری در رهبری نوین، کاهش تولیدات صنعتی و کشاورزی در این مدت و خواسته های رو به افزایش میلیون ها نفر از گرسنگان و تهیدستان از انقلاب از یک سو و کارشکنی ضد انقلاب داخلی و خارجی از سوی دیگر انقلابیون را با چالش های بزرگی روبرو کرد، رهبری انقلاب برای برون رفت از بحران عمیق اقتصادی و اجتماعی به تدابیر و تغییراتی در بینش اقتصادی و سوسیالیستی پیشین خود دست زد و در نهایت مجبور به اتخاذ سیاستی شد که «تزهای آوریل» نام گرفت و در روزنامه «پراودا» زیر عنوان «در باره وظایف پرولتاریا در انقلاب کنونی» به چاپ رسید، در بخشی از این تزها با ادامه جنگ سرمایه داری و امپریالیستی مخالفت شده، گذر از انقلاب بورژوا-دمکراتیک به سوسیالیسم به رهبری کارگران، دهقانان فقیر اشاره شده، پشتیبانی از بلشویک ها در شوراها و گذار از جمهوری پارلمانی به شورایی، مصادره زمین های بزرگ و انتقال آن به شورا های محلی، ادغام بانک ها و سپردن آنها به شوراها، نظارت بر تولید و توزیع از سوی شوراها و گسترش فعالیت های حزبی مطرح و اجرای آن مورد تاکید قرار گرفت. این تزها بویژه گسترش فعالیت های حزبی در همه زمینه ها، در اجرا ضربات سنگین و سهمگینی به دمکراسی و آزادی سوسیالیستی وارد کرد و برخی از مدیران و روشنفکران را از انقلاب دور کرد، ولی انقلاب با همه کاستی ها دستاورد های بزرگی به بار آورد که هنوز هم آثار آن در مناطق مختلف و جمهوری های جدا شده از ترکیب اتحاد شوروی به چشم می خورد..

انقلاب اکتبر نه تنها در روسیه بلکه در جهان تاثیر بسیار ژرفی گذاشت، تحول و دگرگونی عظیمی در بینش و جهان بینی انسان ها بوجود آورد، در مدت کوتاهی جامعه روسیه را با همه تفاوت های ملی، فرهنگی و زبانی پیرامون آموزه های سوسیالیستی سازماندهی کرد، جمهوری های آسیایی که بسیار عقب مانده بودند، در ترکیب اتحاد جماهیر شوروی قرار گرفتند، بی سوادی در این جوامع به سرعت ریشه کن شد (در

جانفشانی ها با خیانت همراهان نیمه راه شکست خورد ولی تجربه بزرگی برای خیزش های بعدی به همراه آورد. کارل مارکس بعد از شکست کمون پاریس متوجه وحشیگری سرمایه داری شد و در اندیشه های خود تجدید نظر کرد و «دیکتاتوری پرولتاریا» را برای حفظ انقلاب های کارگری ضروری و اجتناب ناپذیر دانست و این تدبیر در انقلاب اکتبر بکار آمد..

مردم روسیه پهناور در سال های نخست از سده گذشته روزگار سخت و دشواری را می گذراندند که بخشی از آن در آثار ادبی و کلاسیک روسیه انعکاس یافته و به شکل بسیار زیبا و شیوایی به تصویر کشیده شده است. از یک سو پیشبرد اقتصاد جنگی در راستای کشور گشایی که خواست امپراتوری تزار بود و از سوی دیگر ظلم و ستم بورژوازی تازه به دوران رسیده با همراهی و همکاری استبداد روزگار زحمتکشان را تیره و تار کرده بود، در این میان فقر و تنگدستی بین روستائیان و دهقانان بیداد می کرد، در نتیجه جامعه گرفتار در بی عدالتی، استبداد و فقر در جستجوی راه های برون رفت از این نابسامانی به تحول، دگرگونی و انقلاب اجتماعی روی آورد و در این راستا، از همان سال های نخست سده گذشته احزاب سیاسی و تحول خواه مورد استقبال قرار گرفت. برخی از افراد و احزاب سیاسی با گرایش های لیبرال-دمکراتیک از سال 1905 در اداره جامعه شرکت داشتند. در نتیجه زمینه فعالیت احزاب سیاسی چپ هم فراهم آمد و نوعی همراهی و همکاری با گرایش های بورژوازی در آن شرایط پیش آمد و همچنان برای مدتی پیش رفت.

آغاز جنگ اول که برای تقسیم جهان بین دول امپریالیستی آغاز شده بود، پوسیدگی، فرسودگی و کهنه گی امپراتوری روسیه را به نمایش گذاشت، اوضاع اقتصادی را به شدت تیره تر کرد، سیر تاریخ و رخداد های سیاسی و اجتماعی سرعت گرفت، بورژوازی روسیه برای برون رفت از بحران، با محدود کردن قدرت دربار تزار در فوریه سال 1917 قدرت سیاسی را در دست گرفت، احزاب چپ بویژه جناح بلشویک به رهبری «لنین» برای گرفتن قدرت سیاسی فعالتر شدند، در 17 اکتبر همان سال با جهش انقلابی که از سوی برخی نظامی ها، تشکل های کارگری، دهقانان تهیدست و

تاریخ پیوست).

انقلاب اکتبر تاثیر مهمی در منطقه بویژه ایران گذاشت، هنوز چند روزی از انقلاب نگذشته بود که مانیفست دولت شوروی در 24 نوامبر 1917 با عنوان « به همه زحمتکشان مسلمان روسیه و شرق » منتشر شد و در یکی از بند های آن که به تقسیم ایران بین روسیه تزاری و بریتانیای کبیر که بصورت مخفیانه در سال 1907 در پتروگراد منعقد شده بود اشاره کرد و آن را باطل اعلام نمود. روند رو به پیش انقلاب در شوروی، در جنبش های اجتماعی ایران هم تاثیر گذار بود. قیام شیخ محمد خیابانی در تبریز (1920—1299)، جنبش جنگل به رهبری کوچک خان، تشکیل حزب کمونیست ایران، قیام کلنل محمد تقی پسپان در خراسان و... با الهام از انقلاب اکتبر سازماندهی شدند و همزمان این انقلاب در آفرینش قطعات ادبی و هنری هم بسیار الهام بخش بود

اکنون نزدیک به سه دهه از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی می گذرد که با انقلاب اکتبر تشکیل شده بود و بی تردید این انقلاب و نظام بر آمده از آن ضعف های جدی داشت که نتوانست خود را بازسازی و سازماندهی مجدد کند، نوگرایی را بپذیرد و همسو با شرایط زمان پیش برود. فروپاشی شوروی در رفتار و گفتار برخی از انسان هایی که سال ها در آرزوی گسترش عدالت اجتماعی و اقتصادی در جهان بودند، تاثیر یاس آوری گذاشت، برخی به بازسازی افکار و اندیشه های گذشته خود پرداختند و برخی دیگر با ندامت از گذشته خود را شیدا و دلداه ی دمکراسی سرمایه داری خواندند، ولی بعد از مدتی متوجه خشونت و بی رحمی ارتجاع در گستره جهان شدند که از سوی سرمایه جهانی حمایت و پرورده شدند. در شرایط کنونی سرمایه داری با استفاده از ترفند های خود ساخته و بازی با پول بجای سرمایه گذاری در تولید، از یک بحران به بحران دیگر می غلند و با استفاده از ابزار تبلیغاتی خود و نگران از رکود فراگیر، به انباشت بی رحمانه سرمایه ادامه می دهد. در این میان بار دیگر سگ هار خود را زیر عناوین احزاب راست افراطی، ضد خارجی و نژاد پرست می پرورد و آماده می سازد تا مانع از سازماندهی نیرو های چپ و عدالت خواه در جهان شود.....

سال 1917 در ازبکستان تنها یک درصد مردم سواد خواندن و نوشتن داشتند و در سال 1965 صد درصد مردم از نعمت بزرگ آن برخوردار شدند، (یادداشت های نوزاد اوستون، چاپ استانبول)

در رابطه با انقلاب اکتبر تا کنون هزاران کتاب، مقاله، نقد و یادداشت چاپ شده و هنوز هم این تجربه بزرگ بشری که در راستای نجات انسان از استثمار، ظلم و ستم بود، مورد نقد، بررسی و تحقیق قرار می گیرد، این انقلاب با ویژگی های خود برآستی جهان را لرزاند (جان رید روزنامه نگار جوان آمریکایی در همان دوران چگونگی انقلاب را در کتاب خود بنام « 10 روزی که جهان را لرزاند » به تصویر کشید). انقلاب دول امپریالیستی را به شدت نگران و سرمایه داران گستاخ را وحشت زده کرد و تا فروپاشی شوروی هم خشم آنان فروکش نکرد.

انقلاب اکتبر آزادی و برابری زنان را با مردان در همه زمینه های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی برقرار کرد و هنوز هم که نزدیک به سه دهه از فروپاشی شوروی می گذرد، در همه جمهوری های سابق شوروی، بویژه جمهوری های آسیایی (که با دخالت ارتجاع جهانی گرایش به اسلام افراطی تبلیغ می شود) همچنان این برابری ادامه دارد و در قوانین اساسی آنها قید شده است. در این میان حق کار، حق تحصیل و بهداشت رایگان، مراقبت از سالمندان برای نخستین بار در شوروی مطرح و در قانون اساسی آن جای گرفت که سال های بعد برخی دیگر از کشور ها با الگو برداری از آن به اجرایی کردن آن پرداختند.

یکی دیگر از دستاوردهای مهم انقلاب اکتبر و اتحاد جماهیر شوروی، حفظ صلح و تبلیغ آن در اتحاد شوروی و جهان بود، شوروی از 15 جمهوری و 20 منطقه خود مختار تشکیل شده بود که هرکدام ویژگی های زبانی، ملی و فرهنگی خود را داشتند، و میلیون ها انسان با حفظ این ویژگی ها چندین دهه در کنار هم در صلح و همبستگی زندگی کردند، (حتا مدتی پیش از فروپاشی در همه پرسی رای به حفظ اتحاد جماهیر شوروی دادند که مورد پذیرش فرصت طلبان واقع نشد و در نهایت این نظام انسانی که در آرزوی خوشبختی بشر تلاش می کرد به

ایران پنج برابر کشورهای پیشرفته دانشگاه و چندین برابر بیکار دارد.



۲۰۱۳، ۲۰،۲ درصد و در برزیل در سال ۲۰۰۱، ۶،۲ درصد و در سال ۲۰۱۳، ۶،۶ درصد بوده است. آمار فارغ التحصیلان بی کار در ایران اکنون به مرز هشدار رسیده است. البته این آمار تنها شامل آن دسته از فارغ التحصیلانی است که عزم ماندن در کشور را داشته اند. گفته میشود نزدیک به پنج میلیون جوان تحصیل کرده که امکان اشتغال در کشور را نداشته اند به امید یافتن شغل به کشورهای دیگر مهاجرت نموده اند. بر طبق آمار در حال حاضر بیش از ۷٪ از جمعیت ایران به دلایل مختلف منجمله بی کاری در خارج از کشور به سر میبرند.

در ایران ۲۶۴۰ دانشگاه وجود دارد درحالی که چین تنها ۲۴۸۱ و در هند ۱۶۲۰ دانشگاه دایر کرده است.

بنابر گزارش موسسه اسپانیایی CISC تعداد دانشگاه ها در اغلب کشورهای پیشرفته جهان زیر ۵۰۰ دانشگاه است، به طوری که آلمان ۴۱۲، انگلیس ۲۹۱، کانادا ۳۲۹، ایتالیا ۲۳۶ و هلند ۴۲۳ دانشگاه دارند.

این در حالی است که بر طبق گفته های رحمانی فضلای، وزیر کشور ایران، بیکاری بین تحصیلکرده ها "بسیار بالاتر" از متوسط بیکاری کل کشور است.

آمار ارائه شده در کمیسیون نخبگان و آینده نگاری علم و نوآوری در خصوص بررسی و تشریح وضعیت عدم اشتغال و بیکاری دارندگان تحصیلات عالی اعلام میکند که این رقم در کشور در سال ۱۳۸۰ (۲۰۰۱) ۱۷،۶ درصد کل بیکاران بوده و در سال ۱۳۹۲ (۲۰۱۳) به ۴۱،۳ رسیده که این نرخ در ژانویه سال ۲۰۰۱، ۲۴،۸ درصد و در سال ۲۰۱۳، ۲۳،۷ درصد، در ترکیه در سال ۲۰۰۱، ۸،۳ درصد و در سال

بیشترین مراجعه مردم به شورای شهر زنجان در پاره اشتغال است



درصد برای پروژه های عمرانی باقی می ماند که این آمار در شهرداری ها نیز مسلم است. این عضو شورای شهر زنجان یادآور شد: در استان به دلیل حجم بالای کارها پویایی خود را از دست داده ایم و چاره ای نداریم جز این که سرمایه گذاری در شهرداری را در حوزه های مختلف تسهیل کنیم. با این اقدام سازمان های شهرداری پویا می شوند و در حوزه های کارآفرینی و اشتغال گام برمی دارند.

بیشترین مراجعه مردم به شورای شهر زنجان حول محور اشتغال است و اگر بیکاری که هم اکنون دامنگیر بسیاری از خانواده های ایرانی است رفع نشود، در آینده بحرانی جدی به وجود خواهد آورد. نایب رئیس شورای شهر زنجان می گوید: در بسیاری از موارد فرد با تحصیلات کارشناسی ارشد متقاضی کار در فضای سبز است که باید بگویم ما نیز در به وجود آمدن چنین پدیده ای در جامعه مقصر هستیم.

به گفته وی، در شهرداری زنجان سالانه خریدهای بسیار کلانی در حوزه عمران، گل و گیاه و ملزومات اداری از سایر استان ها انجام می شود که در این خصوص باید گفت شهرداری ها و سایر دستگاه ها نباید فرصت ها و هزینه ها را از استان خارج کنند و در اختیار سایر استان ها قرار دهند.

مراذخانی در خصوص موضوع جذب سرمایه گذار نیز افزود: ۹۰ درصد از هزینه ها در دولت صرف امور جاری می شود و تنها ۱۰

به مناسبت یکصدمین سالگرد انقلاب اکتبر تاثیر انقلاب اکتبر در ایران



وحشتناک به خود گرفته بود و مردم مناطق جنگی تمام هستی خود را از دست داده بودند. سرزمین هایشان ویران شده بود و امکان فعالیت اقتصادی نداشتند. در طول جنگ های دوره اول سرحدات شمالی ایران دچار قتل و غارت های زیادی شد که تا حدودی می توان گفت که ویرانی و تلفات آن کمتر از مناطق جنگی نبود. دولت های خپوه و بخارا از وضعیت سیاسی ایران سوءاستفاده کردند و سواران ترکمن و ازبک را برای غارت و تخریب شمال شرق ایران تحریک نمودند. چندین هزار سوار غارتگر سال های طولانی خراسان را دچار قتل و غارت و ناامنی کردند. بیماری های زیادی نیز در مناطقی که جنگ در آنها رخ داد، شیوع یافت. از عوامل شکست های ایران برابر روسیه در این دو جنگ، سیاست های استعماری انگلستان بود که برای تأمین منافع خود تلاش می نمود و به صورت پنهانی با روس ها علیه ایران هم پیمان شده بود و در حالیکه به ایران قول حمایت در برابر دولت های متخاصم را داده بود، ایران را در برابر روسیه تنها گذاشت.

همچنین زمانی که روسیه برای اجرای سیاست های توسعه طلبانه خود از سوی بالکان و بعد قفقاز اقدام نمود، اگر میان ایران و دولت عثمانی اتحادی برقرار می شد، از نفوذ روسیه جلوگیری می شد اما کشمکش های مذهبی میان این دو دولت همسایه مسلمان، زمینه را برای دخالت و نفوذ دولت های استعماری انگلیس و روسیه فراهم کرد. ضعف نظامی و فساد دولتی در ایران نیز بر این عوامل می افزود و موافقت کرد. به این ترتیب دولت روسیه تزاری پا به پای بریتانیا تلاش می کرد تا در مقابل هر امتیازی که انگلیسی ها از ایران می

عوامل بسیاری در تاریخ ایران، پای قدرت های بزرگ را به این سرزمین باز نموده است. جایگاه ویژه ایران در منطقه و منابع موجود در خاک آن که منافع سرشاری نصیب دولت های خارجی می کرد، از جمله این عوامل بود. در این میان، روابط ایران با روسیه و بعد از انقلاب اکتبر، شوروی، اهمیت و خصوصیات ویژه ای داشت. قرون 18 تا 20 میلادی و می توان بهتر گفت تا جنگ دوم جهانی، روابط این دو کشور متأثر از بازی های سیاسی ایجاد شده بین قدرت های بزرگ آن روزگار بود. این بازی های سیاسی گاه دو کشور را به دشمنی خونین تبدیل می کرد و جنگ های مهمی را میانشان رقم می زد و گاه دست دوستی و اتحاد آنان به سوی هم دراز می شد و علیه دولت های دیگر هم پیمان می شدند. دوران حکومت پطر کبیر و سیاست های توسعه طلبانه او برای وارد کردن روسیه به صحنه بین المللی و تبدیل آن به قدرتی در تمامی عرصه ها، نیازمند گسترش مرزهای این کشور بود. این توسعه طلبی ارضی در سرزمین های مجاور از اواخر صفویه آغاز شده بود و اهمیت ایران به جهت موقعیت جغرافیایی و امتیازات بازرگانی خاصی که داشت، در وصیت پطر کبیر مورد تأکید قرار گرفته بود. پطر می خواست تا بر دریاها آزاد دست پیدا کند و این نقشه را در چند نقطه دنبال کرد که برخی از آنها با شکست روبرو شد مانند دریای سیاه در آن زمان و برخی نیز مانند سواحل بالتیک به پیروزی او ختم گردید. در زمان کاترین دوم با دستیابی بر دریای سیاه و پیروزی بر عثمانی، روند سیاست های توسعه طلبانه روس ها ادامه یافت. در دوران حکومت الکساندر اول نیز جنگ های طولانی ایران و روسیه و جدایی بخشی از نواحی کشورمان اتفاق افتاد. جنگ های طولانی با روسیه زمانی رخ داد که ایران چیزی حدود یک قرن کشمکش داخلی و خارجی را بعد از فروپاشی صفویه تحمل کرده بود. هزینه سنگین این جنگ ها بیشتر بر دوش مردم آسیب دیده ای بود که چندین دهه ناامنی و درگیری را پشت سر گذاشتند. ایران در طول جنگ های دوره اول با روسیه، نزدیک به دویست هزار کشته داد. پس از ده سال جنگ اول ایران و روسیه، کلیه میدان های جنگ منظره ای

عرب‌ها! ای هندوان! روی سخن ما با شماست: با شما که زندگانی‌تان، جانتان، مالتان و ناموس‌تان قرن‌ها زیر پای غارتگران اروپایی مانده و له شده بود.

ما رسماً اعلام می‌داریم که تمام پیمان‌ها و قراردادهای سری که تزار مخلوع روسیه با انگلستان و فرانسه امضا کرده بود و طبق مفاد آن قرار بود قسطنطنیه (استانبول) پس از خاتمه‌ی جنگ به روسیه داده شود و حکومت مخلوع «کرنسکی» نیز همان قراردادهای را تأیید کرده بود، همگی باطل و کان لم یکن و از درجه‌ی اعتبار ساقطند.

جمهوری سوسیالیستی روسیه و حکومت که مجری اوامر آن هاست، یعنی شورای کمیسرهای خلق، هر دو با تصرف خاک دیگران مخالفند، ما رسماً اعلام می‌داریم که قسطنطنیه مال ترک‌هاست و باید مثل سابق در تصرف مسلمانان باقی بماند.

ما رسماً اعلام می‌داریم که عهدنامه‌ها و توافق‌های پیشین روسیه و انگلستان که ایران را میان دو کشور امپریالیست تقسیم کرده بود، باطل و کان لم یکن و از درجه‌ی اعتبار ساقطند (قراردادهای ۱۹۰۷ و ۱۹۱۵)

ای ایرانیان! به شما قول می‌دهیم که به محض پایان عملیات نظامی، سربازان ما خاک کشورتان را تخلیه کنند و شما مردم ایران حق داشته باشید که آزادانه درباره‌ی سرنوشت آتی خود تصمیم بگیرید!...

رئیس شوراهای کمیسرهای خلق: لنین

کمیسر خلق برای امور ملیت‌ها: استالین»

این اعلامیه نخستین قدمی بود که دولت شوراهای درباره‌ی ایران برداشت و امیدهای فراوانی را در دل‌ها ایجاد کرد. دولت شوروی به منظور جلب دوستی ایران در این یادداشت، کلیه‌ی امتیازات مخالف حاکمیت و استقلال ایران را که در دوره‌ی تزارها به روسیه واگذار شده بود، لغو کرد و به ایرانیان وعده داد که این دولت در اخراج قوای انگلیس و عثمانی از خاک ایران به آنها کمک و از ادعاهای آن کشور درباره‌ی مطالبه‌ی خسارت‌های جنگ پشتیبانی خواهد نمود.

دولت شوروی در ادامه‌ی مواضع انقلابی‌اش و تبیین دیدگاه خود درباره‌ی ایران و مردم ایران، سیاست نرمش و ملامت خود را فزونی بخشید، به طوری که در تکمیل

گیرند، آنها نیز امتیاز متقابلی از ایران دریافت کنند و این رقابت تنها به ضرر منابع و منافع مردم ایران شکل می‌گرفت. تا جاییکه علاوه بر امتیازات تجاری، نیروی دفاعی ایران نیز با تشکیل بریگاد قزاق و روسای روس آن در زمان ناصرالدین شاه در اختیار آنها قرار گرفت.

«... و نیرویی که برای حفظ و صیانت کشور از تجاوز اجانب تشکیل شده بود، وسیله مؤثر تحکیم بنیان رژیم استبداد سلاطین و سرکوب افکار آزادی‌طلبان و مجری اوامر و دستورهای فرمانفرمای قفقازیه و دربار روسیه تزاری شد و بعضی از روسای بریگاد قزاق منجمه لیاخوف در اجرای سیاست ضد آزادی روسیه تزاری و مبارزه با آزادی خواهان ایران نقش بزرگی ایفا کردند» روند اعطای امتیازات به دولت‌های روس و انگلیس در زمان مظفرالدین شاه نیز ادامه یافت. اوج صف آرای‌ها و رقابت‌های دولت‌های روس و انگلیس در ایران را می‌توان قرارداد ۱۹۰۷ میلادی دانست که در زمان امین السلطان در روسیه در یک مقدمه و پنج ماده به امضا رسید و ایران به سه منطقه تحت نفوذ روس‌ها در شمال، منطقه تحت نفوذ بریتانیا در جنوب و منطقه بی طرف در مرکز تقسیم شد.

انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ در همان نخستین روزهای پیروزی، آثار خود را بر ایران گذاشت. در ۱۴ آذر ۱۲۹۶/ پنج‌دسامبر ۱۹۱۷، یعنی تقریباً چهل روز پس از وقوع انقلاب و روی کار آمدن لنین، اعلامیه‌ی مهمی خطاب به مسلمانان مشرق زمین از طرف رژیم شوراهای انتشار یافت. بخشی از این اعلامیه‌ی بسیار مفصل که مربوط به ایران است، به شرح زیر است:

«رفقا و برادران!!

در روسیه حوادث بزرگی در حال تکوین و انجام گرفته است. جنگ خونین کنونی (جنگ جهانی اول) که با نیت تجاوز به سرزمین‌های بیگانه و تقسیم خاک ملل دیگر شروع شده، به پایان خود نزدیک می‌شود. دنیای دیگری پا به عرصه‌ی وجود گذاشته است. این دنیا، دنیای رنجبران و ملل آزاد شده است. در پشت سر انقلابی که در روسیه انجام گرفته، حکومتی که مولود اراده‌ی کارگران و دهقانان روسی است، ایستاده است. ای مسلمانان مشرق زمین!! ای ایرانیان! ای ترک‌ها! ای

۱۲- به ایران اجازه‌ی ترانزیت مال‌التجاره از روسیه داده می‌شود؛

۱۳- دولت روسیه از هرگونه مشارکت در تشکیل قوای مسلح در خاک ایران صرف‌نظر می‌نماید؛

۱۴- دولت روسیه به ملغی شدن کارگزاری‌ها رضایت می‌دهد؛

۱۵- به ایران اجازه داده می‌شود که در کلیه‌ی شهر و بخش‌های شوروی کنسول تعیین نماید. ۲»

در این بیانیه ضمن حمایت و اعلام مساعدت حکومت انقلابی نسبت به اتحاد علیه استعمارگران، وعده داده می‌شود که به محض پایان عملیات نظامی در صحنه‌های جنگ، نیروهای نظامی روسی به سرعت از ایران خارج شوند. پس از آنکه شورای انقلاب تصمیم به متارکه درجنگ جهانی اول گرفت، لئون تروتسکی، کمیسر خارجه در نامه‌ای به سفارت‌خانه‌های دول متفق این موضوع را به اطلاع آنها رساند. بر همین اساس و در قدم اول دول متحد، مذاکرات خود را با بلشویک‌ها در مورد عقد قرارداد صلح آغاز کردند. در جریان مذاکرات بین آلمان و شوروی که در منطقه‌ی برست لیتوفسک انجام شد و منجر به عقد «پیمان برست لیتوفسک» بین دو کشور گردید، تروتسکی مطالبی را درباره‌ی حقوق ملت ایران به طرف مذاکره کننده‌ی آلمانی خود عنوان کرد. کمیسر امور خارجه‌ی اتحاد جماهیر شوروی اظهار داشت که «مشارالیه مایل است مطالبی که از طرف حکومت سابق روسیه به ایران بی‌طرف وارد آمده، مخصوصاً مورد توجه قرار داده و در جبران آنها اقدام نماید.»

«فون کولمان» وزیر امور خارجه‌ی آلمان، در پاسخ گفت: «دول اروپای مرکزی همواره با یک صمیمیت مخصوصی خواهان آزادی ملت قدیم‌التمدن ایران بوده و هیچ آرزویی ندارد جز این که ایرانیان در آتیه از فشارهای خارجی رهایی پیدا کرده و تمدن خود را آزادانه تعقیب نمایند.» ۳»

در پی تلاش سفیر و کارکنان سفارت ایران در روسیه و مذاکره با مقامات روسی و آلمانی، حقوق و استقلال ایران در قراردادهای مربوط به متارکه‌ی جنگ و برقراری صلح بین روسیه و آلمان، برست لیتوفسک ۱۹۱۸، تضمین شد. ۴

بیانیه‌های خود درباره‌ی قراردادهای روسیه‌ی تزاری با ایران، قرارداد ۱۹۰۷ را به صورت رسمی ملغی اعلام کرد.

در این باره تروتسکی، کمیسر خارجی، در قسمتی از نامه‌ی رسمی خود در تاریخ ۱۴ ژانویه ۱۹۱۸ / ۲۴ دی ۱۲۹۶ به سفارت ایران در پترزبورگ اعلام داشت:

«معاهده‌ی ۱۹۰۷ نظر به این که بر علیه آزادی و استقلال ملت ایران بین دولتین روس و انگلیس بسته شده، به کلی ملغی و تمام معاهدات سابق و ناحق آن نیز از درجه‌ی اعتبار ساقط خواهد بود.»

پس از روی کار آمدن «چیچیرین» و قرار گرفتن وی در منصب کمیسر خارجی این اقدامات تداوم یافت. وی در بیست و ششم ژوئن ۱۹۱۹ / ۵ تیر ۱۲۹۸ در نامه‌ای به دولت ایران، کلیه‌ی امتیازات تحصیلی روسیه‌ی تزاری را به صورت یک جا لغو و باطل اعلام کرد. در بخشی از این نامه آمده بود:

«۱- تمام بدهی‌های ایران مطابق تقبلات زمان تزاری الغا می‌شود؛

۲- روسیه به مداخله‌ی خود در عواید ایران از قبیل گمرکات و تلگراف‌خانه‌ها و مالیات‌ها پایان می‌دهد؛

۳- دریای خزر برای کشتیرانی در زیر پرچم ایران آزاد اعلام می‌شود؛

۴- سرحدات شوروی با ایران مطابق اراده‌ی سکنه سرحدی معین خواهد شد؛

۵- تمام امتیازات دولت روس و امتیازات خصوصی باطل و از درجه‌ی اعتبار ساقط است؛

۶- بانک استقراضی ایران با تمام متعلقات، ملك ایران اعلام می‌شود؛

۷- خطوط تلگراف و راه‌های شوسه‌ی ساخته شده در طول جنگ به ملت ایران واگذار می‌شود؛

۸- اصول محاکمات و قضاوت سابق کنسول‌ها کلاً باطل می‌شود؛

۹- میسیون روحانی ارومیه منحل می‌شود؛

۱۰- تمام اتباع روسیه‌ی متوطن در ایران مکلف هستند کلیه‌ی عوارض و مالیات‌ها را بالسویه با اهالی تأدیه نمایند؛

۱۱- سرحد ایران و روس برای عبور آزاد و حمل مال‌التجاره باز می‌شود؛

پس از امضای قرارداد برست لیتوفسک، تروتسکی مفاد قرارداد را به اطلاع کاردار ایران در پتروگراد رسانید. در ژانویه همان سال تروتسکی برنامه‌ی پنج ماده‌ای حکومت شوروی برای تخلیه‌ی قشون روس از خاک ایران را در روزنامه‌ی «شورای کارگران و سربازان» انتشار داد. براساس این برنامه، بلشویک‌ها تصمیم گرفته بودند که افسران روس لشکر قزاق را نیز به روسیه احضار کنند.

انقلاب 1917 روسیه دوره‌ای جدید از روابط میان دو کشور ایران و روسیه پدید آورد که تأثیرات فراوان فکری بر جامعه ایرانی داشت و نائیر انقلاب اکتبر با واکنش رقبای آنها مانند انگلیس همراه گردید. لنین درصدد بود زنجیری را که سرمایه داری به دور کره زمین بسته است با شکستن حلقه‌های آن از میان ببرد. یکی از حلقه‌های سرمایه داری، ایران بود که روسیه پس از انقلاب به دنبال تقویت نیروهای ملی آن در برابر امپریالیسم انگلیس بود.

این انقلاب در ایران اثرات غیرقابل انکاری گذاشت. عده‌ای از آن به معجزه‌ای سیاسی یاد کردند که ارتش روسیه را از چند کیلومتری پایتخت ایران، عقب نشاند و حکومت ایران را از فشار شدیدی که روسیه تزاری بر آن وارد می‌کرد، رها نمود (بهار، 1371: 25). ایدئولوژی جدید حاکم بر روسیه پس از انقلاب اکتبر با اندیشه‌های روسیه تزاری تفاوت داشت و آنها پس از انقلاب به دفاع از طبقات محروم و برقراری عدالت روی آورده بودند. در این زمان، هدف عمده شوروی، جنگ بر ضد امپریالیسم و تغییر شکل دنیا بود (لنچافسکی، 1351: 157). به همین جهت بود که دولت شوروی، تمام امتیازاتی را که روسیه تزاری از ایران گرفته بود، به رسمیت نمی‌شناخت و آنها را باطل اعلام نمود. این اقدامات باعث محبوبیت تفکر جدید حاکم بر شوروی در ایران گردید و همه از روس‌ها با احترام یاد می‌کردند زیرا آنها را انقلابیونی می‌دانستند که در جهان مملو از منفعت طلبی و استعمار به دنبال تجدید عالم بر مبنای سیاست‌های عدالت‌گرایانه بودند. تعبیر ملک الشعراي بهار از ایران بعد از انقلاب شوروی جالب

توجه است. «دو دشمن از دو سو ریسمانی به گلوی کسی انداختند که او را خفه کنند. هرکدام یک سر ریسمان را گرفته می‌کشیدند و آن بدبخت در آن میانه تقلا می‌کرد. آنگاه یکی از آن دو خصم سر ریسمان را رها کرده و گفت ای بیچاره من با تو برادرم و مرد بدبخت نجات یافت. آن مرد که آن ریسمان را رها کرد لنین است» (بهار، 1371: 27). در هر صورت واژگونی حکومت تزاری در روسیه، شور و شغف زیادی در میان ایرانیان ایجاد کرد و بسیاری از جوانان را به سوی سوسیالیسم گشاند.

در مقابل نیروهای ارتجاعی و امپریالیسم انگلیس در وحشت از گسترش اندیشه‌های ضد استعماری و عدالت طلبانه در صدد چاره‌جویی بر آمدند. نیروهای نظامی انگلیس که می‌بایست خاک ایران را ترک کنند به مناطق شمال ایران نیز لشکرکشی کردند. آنها از جنوب غربی ایران به سمت آذربایجان، قفقازیه و خراسان حرکت کردند تا از روس‌های سفید که ضد انقلاب روسیه بودند، حمایت مالی و نظامی کنند تا بدین ترتیب اجازه ندهند دولت نوپای سوسیالیستی شوروی، مستقر شود. از آن تاریخ مبارزه میان کارگران و نیروی‌های ترقی خواه با امپریالیست‌ها و ارتجاع جهانی شکل نوینی گرفته است و تا به امروز علیرغم تمام فراز و فرودهایش ادامه دارد.

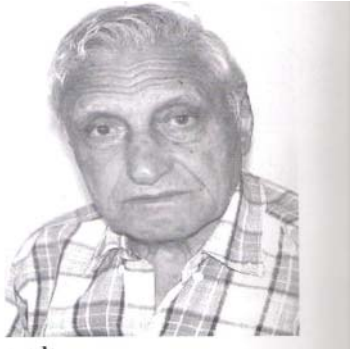
پی‌نویس‌ها:

- ۱- حسن ستوده تهران، تاریخ دیپلماسی عمومی، ج ۲، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۲۹، ص ۳۲۵ و یا شیخ‌الاسلامی، پیشین، ص ۹۸.
- ۲ - علی‌اکبر ولایتی، تاریخ روابط خارجی ایران، انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، تهران، ۱۳۷۰، صص ۵۶ - ۵۷.
- ۳- سپهر (مورخ‌الدوله) ایران در جنگ بزرگ ۱۹۱۴ - ۱۹۱۸، چاپخانه بانک ملی ایران، تهران، ۱۳۳۸، ص ۴۹۶.
- ۴- پیشین، ص ۴۹۷.

پیش شرط استقرار دموکراسی واقعی در ایران احقاق حقوق ملل و اقوام تشکیل دهنده کشور می‌باشد

ایران اسلام شورا مجلسی تورپاق اصلاحاتی حاقیندا رولو
(۱۹۸۲-۱۹۷۹-جی ایللر)
سلطانعلی میرزه زاده

۳- جی هیسه



بهانه و اویدورمالارا ال آتدیلار. تورپاق اصلاحاتینین کنجیریلمه سینه آز- چوخ راضیلیق وئرمن رهبر شخصلری سول مسلکی قوملرین تأثیری آلتینا دوشمکده، دین و اسلامدان، قرآنی شریفدن و بوتون شریعت قانونلاریندان اوز دؤندرمدکه اتهام ائتدیلر. مثلاً، گلپایگانی، تهرانی کیمی روحانیلر و دیگر تورپاق صاحبلی اصلاحاتین علیینه چیخماقلا اونو غیری- قانونی حساب ائتدیلر. حتی تام صورتده اصلاحات کنجیریلمه سی گمان ائدیلمه ییگی تقدیرده روحانیلر کفن گنئیب کوچه یه چیخماقلا تهدیدی اصوللارا دا ال آتماقدان چکینمه دیلر.

«ج» و «د» بندلری اطرافیندا مباحثه و مبارزه او مرحله یه گلیب چاتدی کی، بو مسئله نین دینی جهتن دوزگون اولوب- اولماسینی بیر داها دقیقلشدیرمک اوچون خمئی-نینین گؤستریشی ایله کومیسسیا یارادیلدی. همین کومیسسیا تورپاق اصلاحاتی قانونو و اونون بوتون مادهلرینی شریعتین مولکیته عانید مدعالاری ایله توتوشدورولوب، مقایسه ائتدیکدن سونرا، تورپاق اصلاحاتینین و اونون بوتون مادهلرینین، نه اینکی اسلام قایدا- قانونلارینا اویغون اولماسینی، هم ده حقوقی جهتن تام دوزگون اولدوغونو بیر داها تصدیق ائتمیشلر.

اونا گؤره ده، بوتون ایران کندیلیری حاقلی اولاراق تورپاق مسئله سینین عدالتلی صورتده حل ائدیلمه سینی، کئنده فئودالیزم و مولکدارلیق ظلمونه تامامیله سون قویولماسینی، ارتیجاعین کئنده کی اقتصادی و سیاسی دایاقلارینین کؤکوندن کسيلمه سینی ایستیرلر. کندیلرین بو کیمی طلبلری نتیجه سینده تورپاق، تورپاق اصلاحاتی حاقیندا، نهایت، ۱۹۸۲- جی ایلین

تورپاق اصلاحاتی قانونون مادهلرینین، نه اینکی اسلام قانونلاری، هم ده حدودی جهتن دوزگون و عدالتلی اولدوغونو هم کومیسسیا عضولری، هم ده حیاتی رنالیقلار تصدیق ائتمیشدیر. مثلاً، کومیسسیانین عضولریندن بیر ی اولان آیت الله مشکینی «کنیهان» قزنتی موخبیرینین سوالارینا جاوابیندا گؤستریردی کی؛ «... مولکی، حقوقی و دیگر برابر سیزلیکلر بیر- بیرینه ظلم، زوراکلیق و استثمار نتیجه سینده، عمله گلیمشیدیر. او، داها سونرا اوز فیکرینی بنله داوام ائتمیشدیر...» اصلینده، اسلام مولکیت حقوقوندا غیری- محدود مولکیت صاحبلیگی رد ائدیلمه یی، چونکی مولکیت نه روحی و نه ده معنوی قیدا دئییل کی، ایسته دیگین قدر اونا صاحب اولاسان. اگر هر هانسی بیر مولکیت باشقاسینین حسابینا یارانب آتیرسا، او جمعیت اوچون فساد منبعیدیر. تورپاق عمومی نعمتدیر. اوندان هامی، خصوصاً اونا زحمت چکن بهره له نملیدیر» (۱۹) بوندان علاوه، ایران جمعیتی اوچون حیاتی اهمیته مالیک اولان آقرا- کندلی مسئله سینین حلینه عانید خمئی-نینین «اگر تورپاق مسئله سی حل اولماسا، انقلابین بیر پایه سی ناقصدیر» (۲۰) سؤزونه ایستیند ائدن اورومیه انقلاب کئشیکچیلرینین باشچیسی دئمیشدیر: « فنودالارین نه اینکی تورپاگی، حتی دیگر املاکی دا مصادره اولونمالیدیر». ائله ده، حجت الاسلام مهدی کروی تورپاق مسئله سینین عدالتله حلینی ایره لی سوره ره ک حاقلی اولاراق دئمیشدیر: «تورپاغین ۱۰۰ هکتار لارلا بیر نفرین ایلنده تویلانماسی دوز دئییلدیر. کندلینین گنج- گوندوز ایشله مه سی و الینه هنج نه گلمه سی دوز دئییلدیر. طبیعیدیر کی، بو وضعیت بو شکیده داوام ائده بیلمز» (۲۱)

فکریمیزجه بوتون بو دئییلنلر آقرا اصلاحاتی تدبیرلرینی پوزماغا چالیشانلارا، کلی مقدار تورپاگی اللرینده جمعلشدیرنلره حق قازاندیرماق ایسته ینلره توتارلی و منطیقی جاوابدیر.

دئییلنلره باخمایاراق، تورپاق صاحبلی قانون «ج» و «د» بندلرینین اجراسینی کمونیست تدبیری آدلاندیریب، مختلف

مارتیندا مجلسده قیزغین مباحثه دن سونرا، قانون لایحه‌سی قبول اندیلدی و بیه نیلمک اوچون نظارت شوراسینا وئریلدی. لاکن مجلسین آقرار اصلاحات حاقینداکی قانون لایحه‌سی ایندییه دک حیاتا کنچیریلیمه‌ییب، هله ده کاغیز اوزرینده قالماقدادیر. بونون اساس سببی ایسه اوندان عبارتدیر کی، بو قانون اجراسی کلی میقداردا تورپاق ساحه‌لرینی اوز اللرینده توپلامیش مولکدار روحانیلرین منافعیینه توخونور. اونا گوره ده، تصادفی دئییلدیر کی، مجلسین قانون وئرگیلیک فعالیتینی تامامیله اوز نظارتی آلتینا آلمیش نظارت شوراسی قانون لایحه‌سینی «تکمیلشدیرمک» بهانه‌سیله دفعه‌لرله مجلسه قایتارمیش و مجلس طرفیندن ایری تورپاق صاحبلیینه عانید بعضی مهم و واجیب مادده‌لر اوندان چیخاریلاراق قیصادیمیش واریانتدا یئنیندن نظارت شوراسینین تصدیقینه وئریمه‌سیله باخمایاراق همین شوراداکی محافظه کار روحانیلر یئنه ده قانع اولماییب، اونون اسلام احکاملارینا ضد گلدیی، «مقدس» خصوصی مولکیت پرینسپینی پوزدوغو اوچون قبول انتمه یرک اجراسینی دایاندیرماغی قرارا آلدی و بو قرار خمینی طرفیندن بیه نیلدی. (۲۲) باخمایاراق کی، خمینی خلقین گوزوندن پرده آسماق اوچون بیر نوع اوزاق گورهنلیک کیمی، گوزونن فکری یئنه ده تکرار اندرک بیلدیمیشدیر کی، اولکه نین عالی قانون وئرگیلیک-حاکمیت اورقانی مجلسدیر، بیلاواسیته او مجلس طرفیندن بیه نیلمیش قانون لایحه‌سینین قبول اندیلیمه‌سی مسئله‌سینی حل انتمه‌لیدیر. (۲۳)

بونولا علاقدار دنپوتات کاظم نوروزی حاقلی اولاراق مجلسده کی چیخیشیندا انقلاب عرفه‌سینده کندیلرله وئریمیش وعدلری خاطرلاداراق دئمیشدیر کی، «امام» (۲۴) هله فرانسادا اولارکن بویورموشدور کی، «بیز» فنودالارین طرفداری دئییلیک. ملکدار و فنودالارین زور گوجونه اله کنچیردیکلری تورپاقلاری اوندان آلیب محروم و مستضعف اختیاریندا قویماق لازیمدیر». ایندی هامی بو انتظاردادیر کی، محروملاردان طرفدارلیق ائدن بیز اوندان خئیرینه نه ایش گورموشوک و نه ایش گورمک ایستییریک».

(۲۵) خمینی-نین ایداعالاریندان بنله چیخیر کی، تورپاق تامامیله کندیلرین اینده اولمالی ایدی. حتی اصلاحات

قانونون حیاتا کنچیریلیمه‌سیله علاقدار ۱۹۸۲-جی ایلین نوایبر آییندا ناظرلر شوراسی طرفیندن ۵ ایل مدتینه «تورپاق اصلاحاتی ناظرلیگی» یارادیلماسی حاقیندا قبول اندیلن قرارلار دا هنج بیر شئی ده بیشمه‌دی. (۲۶) دئییلدیگی کیمی، اوللر تورپاق اصلاحاتی حاقیندا روحانیت طرفیندن تک- تک مثبت فکرلره راست گلمک اولوردوسا، ایندی بو مسئله مختلف بهانه لرله کنارا آتیلیب، اونون قویولوشو تامامیله الهی قویه استناد اندیلرله ک مولکیتین توخونولمازلیگی مسئله‌سی اورتایا آتیلیب. (۲۷) تضادلی فکرلر و ضدیتلی ملاحظه‌لرله آشیلانمیش بنله بیر ادعا ایرلی سورولور کی، اسلام عنعنه‌سینه گوره، یئر و یئرده اولان بوتون ثروت (مال- دؤولت) حاق طالعی، یعنی الله مخصوصدور. بو ثروتی، گویا آداملارا اونا گوره وئریم کی، اوندان موقتی حالدا استفاده ائتسینلر، الله مولکیت تانیمیر. بو باخیمدان ایران اسلام رئسپوبلیک‌سیندا مولکیت فورمالارین معین اندیلیمه‌سی و خصوصی مولکیتین اعلان اولونماسی اسلام عنعنه‌چیلری طرفیندن «فخری و مقدس» ایش کیمی معین درجه ده «گذشته گنتمه» حساب اندیلیر کی، بو دا، حقیقته، اوندان دینی احکاملارین معاصر حیات شرایطینه اویغونلاشدیرماق جهددن ساوایی، بیر شئی دئییلدیر. عمومیتله، اسلامدا مولکیت مسئله‌سی اورتایا چیخادا دینه مراجعت اندیلرکن الله واحد معیار گوتورولور و الله دونیادا بوتون ثروتلرین یئنگانه صاحبی حساب اندیلیر. بورادا بیر طرفدن بنله چیخیر کی، هنج بیر کس مولکیت بیه لنمک ادعاسیندا اولما بیلیمز، دیگر طرفدن ایسه هامی ثروتین ثمرلی استفاده اندیلیمه‌سینده برابر حقوقا مالیک توتولور، صنفی فرقلرین تسوییه اندیلیمه‌سی طلب اولونور. اسلام اقتصادی سیستمین مقصدی، گویا برابرلیک جمعیتی قورماقدیر. بنله بیر فکر خمینی-نین هله انقلابدان قاباق ایرلی سوردویو ملاحظه‌یه ده سجیه لنیر. او دئییردی کی، هامین و هر بیر طرفین سرانجامینا وئرله‌جک. (۲۸) بورادان بنله چیخیر کی، انقلابین غلبه سیندن سونرا، هامی املاکدان برابر صورتده استفاده ائدجکدیر. هم ده اعلان اندیلیردی کی، خصوصی مولکیت شخصی امگه اساسلانماقدیر. اگر مولکیت صرف اولونموش شخصی امه گین نتیجه‌سی دئییلسه، اوندان، او جمعیه و یاخود دؤولته مخصوص اندیلیمه‌لیدیر. لاکن رئاللیقتا،

قایدا- قانونلاری انله قلمه وئر مه یه چالی شیرلار کی، گویا سلامیتده مولکیت غیری محدوددور. (۳۰) موسلمان اولان هر کس باشقاسینین امگنین استثمار اولماسینا باخمایاراق، ایستدیگی قدر وار-دوولته، مولکه، تورپاغا صاحب اولای بیلر. بو استثمارچی روحانیلرین دندیگیندن بنله چیخیر کی، اسلام غیری- محدود مولکیتی و استثماری مشروع بیلیر و قانونی حساب ائدیر. اصلینده ایسه بو باشقاسینین حسابینا کلی مقداردا ثروت و تورپاگی زور گوجونه ضبط اتمک ظالمالارین آغالیغینا و آماسیز استثمارینا حق قازانديرماق اوچون گوسترین خیدمتدیر.

لاکن بونو دا قید اتمک لازیمدیر کی، عصرلر بویو تورپاقسیز و آرتورپاقلی اولان ایران کندلیسی اوز حقیقی طلب اتمک اوزونه، دینی خرافاتین گوجلو تأثیریه موللارین شریعت آیدندان ساختاکارلیقا دوزلندیکلری بعضا بنله بیر مدعا یا اینانیرلار کی، گویا مولکیت توخونولماز دیر، اونو «بویوک الله» بندلرینه بخش اتمیشدیر، تورپاقسیز و آرتورپاقلی باشقاسینین تورپاغیندا گوزو اولماسی، هر هانسی یوللا اله کتیرمک مثلی قرآنین شریعتین و دینی قایدا- قانونلارین علیهنیدیر، گویا الله انسانلاری امتحان اتمک اوچون اوزو - وارلی و یوخسوللاری یارتمیشدیر. (۳۱) البته، بنله فیکیر و دوشونجهنین نتیجهسی اوندان عبارت دیر کی، وارلیلار داها وارلی اولار یوخسوللار داها دا یوخسوللاشار. البته، روحانیلرین ثروت آیدندان قوناردیقلاری بو کیمی فکرلر هنج ده همیشه لیک اوزونه یئر توتا بیلیر. بنله کی، اولکن قاجمیش و عکس انقلابچیلارین کندلیله وئرلمیش تورپاقلاری اونلارین اولکی صاحبلرینه قایتاریلماسی یئرلرده گنیش زحمتکش کندلی کوتله لرینین کسگین اعتراضلارینا سبب اولموشدور. حالبوکی، خومی-ینی انقلاب عرفه سینده و انقلاب دؤورونده بیلدیردی کی، تورپاق اونو اکنیدیر، الله یندیر. لاکن سونرالار او سوزونو ده گیشدی و مولکدارلار ینیدن «اوز تورپاقلارینا» صاحب اولدولار. الله حاقیندا دنییلن سوز ده آرادان گنتدی، وئرین وعدلر ده. (۳۲)

کندلره قاییدان مولکدار و کاپیتال صاحبلرینین موقعینی محکملندیرمک مقصدیه حکومت طرفیندن مجلسه تقدیم اندیلن ۵ ایلیک پروقرامدا گوستریلیر کی، کند تصروفاتی بولمه سینده بوتون پروقرام مدتینده کاپیتال قویدوغو ۲۱۳۳ میلیارد رئال اولاجاق دیر. بو مبلغن یالنیز ۷۹۵ میلیارد رئال دولت واسطه سیله کاپیتال قویولاجاق دیر قالان حیصه سینی ۱۳۳۸ میلیارد رئال و ۶۲ فایزینی «غیری- دولتی- بولمه نین» عهدسینه دوشور. (۳۳)

ادامه دارد

عملده ایسه بنله اولمالی. عکسینه، ایندی انقلابین باشلانغیچیندا سنجیمیش اولان شعارلار، گویا «اسلام» دنییلدیر کیمی قله مه وئرلییر، تورپاق اصلاحاتینین یئرلرده حیاتا کنجیریلمه سیله علاقدار فعالیت گوسترمیش کندلیلر، کند انجمه نی نمایندهلری تعقیب اولونور، مختلف بهانه لرله حبسه آلینیر و اشگجه لره معروض قالیرلار. فنودال و مولکدارلارین کندلیله قارشلی قیصاصچیلیق ایشینه انقلاب کنشیکچیلری و انضباطی اورقان مأمورلاری کؤمک ائدیرلر. (۲۹) واختیه حاکمیت اورقانلاری طرفیندن میللیشدیریلیمیش و مصادره اندیلیمیش شخصی تورپاق ساحه لرینی و دیگر مولک صاحبلرینین املاکینی - حتی انقلابا ضد اولدوقلاری تقدیرده بنله قرآنا- اسلام احکاملارینا (گویا امکله قازانیمیش املاکا دیمک حرامدیر) استناد اندیلره ک تدریج اوز صاحبلرینه قایتاریلیر. باشقا سوزله دئسک، بورادا بنله تعبیر ایرلی سورولور کی، گویا مولکدارلارین «امکله قازاندیگی» املاکا ده یک حرامدیر. حالبوکی، بیر طرفدن قرآنین موافیق مددعالارینا اساساً، دنییلیر کی، لازم گلدیکه دولت بوتون موسلمانلارین خیرینه خصوصی مولکیتی محدودلاشدیرا بیلر. دیگر طرفدن، اگر بنله دیرسه، اوندان، قرآنین موافیق مدعالاری بورادا دا روحانیلر طرفیندن پوزولور. دنییلدیگی کیمی، خصوصی مولکیتین حمی نه اینکی محدودلاشدیریلیر، عکسینه، اولدوغو کیمی قالمیشدیر کی، بو دا برابر سیزلیگین تظاهر وندن ساواپی بیر شئی دنییلدیر. برابر لیکدن دم وورولان بیر اولکه ده حکم سورمن دهشتلی، فاجعه لی بیر برابر سیزلیک گوز قاباغیندادیر. گورونور، دین باشچیلارینین واختیکن «اسلام عدالتی-قارداشلیق و برابر لیک جمعیتیدیر» پرنسیپیندن دم وورماسی جمعیت عضولرینی آلماتماق اوچون نوبتی ریاکارلیق ایمیش. هم ده دین خادیملری طرفیندن بنله عبارملی سوزلرین ایشلدیلیمه سی اونلارین اوز اساس نیتینی حیاتا کنجیریمک امکانی یارادان حرکتلارینی اورت- باسدیر اتمک دنمکدیر. اونسوز دا خلق قارشیسیندا گوزو کؤلگه لی اولان (خومی-ینی باشدا اولماقلا) روحانیلر خلقین دقتینی اوزلرینه جلب اتمک اوچون بعضا عبارملی سوزلر ایشلمکدن ده چکینمیرلر. بنله کی، محافظه کار روحانیلر دینی

کتابداری مدرن در ایران به روایت نوش‌آفرین انصاری در آرزوی کتابخانه‌های زنده



است. یکی از نمایندگان کتابداری مدرن در ایران که به این رشته و حرفه شکل دادند و آن را پیش بردند. هرچند از وضع امروز آن ناراضی است.

روزی ۸۰ تا ۱۰۰ هزار برگشتی امانت

در هند به دنیا آمد، در خانواده‌ای دیپلماتیک و بعد از گرفتن فوق‌دیپلم کتابداری در ژنو دوباره به هند برگشت. طرح‌های یونسکو در هند شروع شده بود و امکانات در دست کتابخانه عمومی دهلی بود که قرار بود الگو شود: «می‌خواستم ببینم کتابخانه در بزرگترین دموکراسی جهان چطور رفتار می‌کند؟ جایی که همه با باورها و ادیان مختلف در کنار هم زندگی می‌کنند. به کار داوطلبانه علاقه‌مند بودم. آن موقع فوق‌دیپلم داشتم و خیال می‌کردم شوق‌الْقمر شده، گفتم ترجیح می‌دهم به جای درس خواندن در دانشگاه دهلی، در جامعه باشم.» مثلث کتابدار، کتاب و جامعه او را به سمت کتابخانه‌هایی در محله‌های شلوغ برد. کتابخانه‌های دهلی نو خیلی مرتب و منظم بودند، اما توده‌های مردم به آن دسترسی نداشتند. چرا مردم هند به کتابخانه می‌رفتند و کتابخانه چطور دیده می‌شد؟ کتابخانه‌ای در اولد دهلی، همان کتابخانه‌ای بود که می‌خواست. جواهر لعل نهرو یادداشت کوچکی برای ورود به آن کتابخانه برایش نوشت: «نهرو گفت چرا این کتابخانه را انتخاب کردی که هم راهش خیلی دور است و هم خیلی شلوغ است. گفتم دقیقاً به خاطر شلوغی، حس مردم و نقشی که کتابخانه می‌تواند ایفا کند.» کتابخانه در یکی از محله‌های شلوغ هند بود، جایی که خودروی خانواده نمی‌توانست به راحتی وارد کوچه‌هایش شود و فقط ریکشاه‌ها با تلاش راننده‌هایی که در گرمای هند پا

۲۲ سال تعطیلی و سکوت انجمن کتابداران بزرگترین ضربه را به کتابداری ایران زد

شادی خوشکار | محمدعلی جمالزاده گفته بود برو کتابداری بخوان. سال ۱۳۴۲ درش در مدرسه کتابداری ژنو و کارش در هند تمام شد و به ایران برگشت. جمالزاده خبر آمدنش را به ایرج افشار، رئیس کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران داد. همین شد که نوشین انصاری ۶ ماه روی تل عظیمی از مجلات در انبار دانشکده حقوق نشست و آنها را به تفکیک زبان جدا کرد تا مجله‌ها بیرون بیایند، صحافی شوند و بنشینند در قفسه‌های کتابخانه مرکزی. سال‌ها بود که مجلات به دانشگاه می‌رسیدند و تلنبار می‌شدند: «درسی در سوییس گذرانده بودم - خدا عمرشان بدهد- که بتوانم زبان‌های مختلف را تشخیص بدهم و چند تا زبان هم بلد بودم. دوران نسبتاً سختی بود.» زمانی که هنوز نه ساختمان کتابخانه مرکزی دانشگاه ساخته شده و نه گروهی به اسم کتابداری شکل گرفته بود که کسانی مثل پوری سلطانی و کامران فانی و بهاء‌الدین خرمشاهی از آن فارغ‌التحصیل شوند، کتابخانه گوشه‌ای بود در مسجد دانشگاه که بعضی‌ها هم به رفت‌وآمد زنان در آن روی خوش نشان نمی‌دادند.

«تمام کارهایی که کتابدار می‌کند برای این است که دانایی، آزادی، اندیشه، تفکر، لذت، رشد و خرد در اختیار عمومی بشر قرار بگیرد، این کاری است که در معجزه خواندن برای بشر نهفته است. این را از همنشینی و نهارهای دسته‌جمعی با دانشجویان مدرسه علوم اجتماعی ژنو یاد گرفتم که در همسایگی ما درس می‌خواندند.» اواخر دهه ۱۳۳۰ بود: «شبیته رسالت اجتماعی و مدنی کتابدار بودم، اما این درس را در دانشگاه یاد نگرفتم. درس‌های مان بیشتر فنی بود، فهرست‌نویسی، رده‌بندی، تاریخ کتابخانه، تاریخ فلسفه و علم و تاریخ خط.»

نوش‌آفرین انصاری خودش را نویسنده معرفی می‌کند، در اتاق پذیرایی خانه‌اش با طاقچه‌هایی پر از کتاب و مبلمان ساده قدیمی نشسته است، رو به پنجره‌ها و دری که به حیاط باز می‌شود. رو به درخت آرزوها که عروسک‌ها را به آن آویخته

سیار به روستاها و زندان‌های هند می‌رفت: «کتابخانه عمومی یک نهاد چندمنظوره است. باید به روستا و حاشیه شهر برود، به بیمارستان و کانون‌های اصلاح و تربیت برود، چون این قابلیت را دارد که دایما کتاب و نیرو را عوض کند. چرخش نیرو و ارتباط دایم با جامعه نیرو را سر حال نگه می‌دارد و ما آن کتابدار فعال، خندان، مصمم و سر حال را می‌خواهیم و گرنه کارمندی که یک گوشه نشسته و کتاب را مهر می‌زند که کتابدار نیست. دیدم بینایان و نابینایان همه دور هم جمع می‌شوند و روی زیراندازی می‌نشینند و کتابخانه به سرعت شکل می‌گیرد. در عین حال که خیلی برای بنای کتابخانه احترام قائم به این نتیجه رسیدیم که کتابخانه اصلا ربطی به بنا ندارد و می‌شود در هر جا و با آسان‌ترین وسایل آن را راه انداخت، اگر کتاب خوب و کتابدار خوب باشد. سال‌ها بعد که به‌عنوان کتابدار به کانون اصلاح و تربیت تهران رفتم، فکر کردم ریشه این علاقه به همان آرزویی برمی‌گردد که در آنجا داشتم.»

سال ۴۲ که به ایران برگشت، خیلی‌ها در تهران منتظرش بودند، مخصوصا کتابخانه‌ای کوچک در بن‌بستی نزدیک خیابان خارک با دری کرم‌رنگ. «انجمن کتاب» را ایرج افشار تاسیس کرده بود. جمالزاده و مهری‌آهی به افشار گفته بودند یک نفر در ژنو کتابداری خوانده و تجربه دارد و به تهران می‌آید: «برایم کلی کار ترشیدند. کار را در مسجد دانشگاه شروع کردیم. نخستین فهرست‌نویسی‌ها با کمک کارشناسان فولبرایت انجام شد و مجلات را سروسامان دادیم. یک‌سال سخت داشتیم. همان وقت‌ها عباس به دنیا آمد و سال ۴۴ ما به کانادا رفتیم. وقتی می‌خواستیم بروم از آقای افشار پرسیدم وقتی که برگشتم باز هم می‌خواهید در کتابخانه با شما کار کنم؟ ایشان با صراحت گفتند نه، استعفا بده، هر وقت برگشتی و دوباره به درد کتابخانه خوردی می‌توانی بیایی. آن موقع به من برخورد. افشار دوست خیلی عزیز من، بسیار شخصیت عجیبی داشت. بعدها فهمیدم که به نفع من بود، چون پاکیزه نشدم و تعهدی به هیچ‌جا نداشتم.»

مدرن‌شدن کتابخانه‌ها در ایران با کتابخانه مجلس شروع شد. وقتی نخستین قفسه‌ها و میز و صندلی‌ها و فهرست‌نویسی به همت ارباب کیخسرو کارگزار مجلس، به کتابخانه مجلس وارد

می‌زنند، رامشان را پیدا می‌کردند: «به راننده می‌گفتم من را دورتر از کتابخانه پیاده کند. دوست هم نداشتم سوار ریکشا شوم، پیاده می‌رفتم.» ساختمان یک سربازخانه قدیم بود. دورتادور اتاق و در میانه فضایی خالی حتما برای مشق و رژه. حیاط چمن‌کاری شده که مردم روی آن دراز می‌کشیدند و گاوها در کنارشان گردش می‌کردند: «میمون ندیدم ولی می‌گفتند هست». از اتاقش در بخش فنی به اتاق روبه‌رو، بخش امانت و پس‌دادن کتاب نگاه می‌کرد. روزی ۸۰ تا ۱۰۰ هزار برگشتی امانت کتابخانه بود که هر روز ستون‌های بلندی از کتاب‌های مندرس را می‌ساختند: «مرد و زن در حال پس دادن کتاب بودند و دورتادور تالارهای قرائت بود. یک روز گفتند کسی قرار است نوعی خاص از نعل کفش را معرفی کند. جمعیت فوق‌العاده زیادی، بیشتر آقایان، آمده بودند. بیشترشان سواد نداشتند، با این حال عضو کتابخانه بودند و می‌آمدند. بخش دیگری برای مشاوره خانواده و بارداری و مشکلات خانوادگی بود و متخصصان و حقوقدان‌ها در ساعات‌های مشخص حضور داشتند. یک شهر پرهیجان که مبتنی بر اطلاعات بود. افراد می‌آمدند تا به‌طور مستقیم یا از طریق امانت گرفتن و خواندن کتاب اطلاعات کسب کنند.»

صحبت از ۶۰-۵۰ سال پیش است و کتابداران با محبت هندی که همگی رشته کتابداری خوانده بودند. همان‌جا با نام رانگان‌اتان آشنا شد: «یک کتابدار هندی که از حدود دهه ۱۹۷۰-۶۰ شاید هم قبل‌تر پنج اصل را برای کتابداری ساخت. بنیان‌گذار انجمن کتابخانه‌های هند و آدم بانفوذی در کتابخانه و کنگره هند بود. بسیاری از قوانین خوب کتابداری هند مرهون ایشان است. این پنج قانون تا امروز سرلوحه ما کتابداران است: ۱- اطلاعات برای استفاده است، کتاب را نباید حبس کرد، ۲- هر خواننده‌ای کتاب خودش و هر کتابی خواننده خودش را دارد، یعنی هر کدام از ما متفاوتیم. ۳- کتاب زنده است و خواننده را به خود فرامی‌خواند. ۴- وقت خواننده را هدر ندهید. ۵- کتابخانه یک مکانیزم زنده است.»

پدر و مادر نوشین نگران بیماری‌هایی بودند که ممکن بود در آن کتابخانه به آنها مبتلا شود: «ساعت ۶ و ۷ شب به خانه می‌رسیدم و تاکید می‌شد که دست‌هایم را با الکل بشویم.» یک‌سال‌ونیم در آن کتابخانه کار کرد. گاهی هم با کتابخانه

شما یک ماه دیگر برو سر کلاس. گفتم در عمرم درس نداده‌ام. دکتر محقق بسیار در این موارد آدم شجاعی است، گفت بالاخره آدم باید یک جایی شروع کند دیگر. دکتر هاروی گفتند درسی که روی زمین مانده، درس مرجع است. کسی که بتواند کتاب‌های مرجع انگلیسی، فارسی و عربی را درس دهد. کتاب‌های مرجع انگلیسی، آلمانی و فرانسوی را می‌دانستم و دکتر محقق گفتند من در مراجع فارسی و عربی کمک می‌کنم. آمریکایی‌ها یک آزمایشگاه درجه یک کتاب مرجع با خودشان آورده بودند.»

مرجع در یک محیط مرجع تدریس می‌شود. جایی که تمام کتاب‌ها دور استاد و دانشجویان است. دانشکده کتابداری در همان خیابان بود. گروه هنوز شکل نگرفته بود و مدیر ایرانی نداشت. کلاس‌ها به زبان انگلیسی تدریس می‌شد و بیشتر دانشجویان هم فارغ‌التحصیل مدارس آمریکایی بودند: «گفتم کتاب انگلیسی معرفی می‌کنم، ولی زبان مکالمه من با دانشجوی ایرانی باید زبان مادری خودم باشد. کلاس برای این است که اندیشه و فکر و اطلاعات حرکت کند و وقتی آنها متوجه نشوند من چه می‌گویم، کلاس به درد چه کسی می‌خورد؟ البته پایه پذیرش برای ورود به رشته کتابداری قدرت زبان بود. تا ۷-۶ سال رشته کتابداری فقط در مقطع فوق‌لیسانس دانشجو می‌پذیرفت. پوری سلطانی تازه فارغ‌التحصیل شده بود و کامران فانی و بهاء‌الدین خرمشاهی از نخستین شاگردان انصاری بودند. فانی در جلسه‌ای گفته است نخستین بار واژه مرجع را از زبان انصاری شنیده: «کتاب‌های مرجع خیلی مقدس‌اند و همیشه

پشت سر کتابدار هستند، چون خیلی استفاده می‌شوند. مرجع از نخستین درس‌هایی است که دانشجو را با جامعه مرتبط می‌کند. کتابدار باید خدمات مرجع بدهد. شما نشسته‌اید و پشت‌سرتان کتاب‌های مرجع چیده شده‌اند و باید مثل فنر مراجعه‌کننده را صید کنی و بگویی من چه کار می‌توانم برایت انجام بدهم. الان حتما همه این کارها اینترنتی شده.» مهین تفضلی، ماندانا صدیق بهزادی و زهره علوی هم از اعضای نخستین گروه کتابداری بودند.

تاسیس مرکز خدمات کتابداری

شد. کتابخانه نماد مدرنیته، در دهه ۴۰ دوباره در حال تغییر بود. دانش‌پژوه در مقاله گنج و گنجور کتابخانه را گنج می‌داند و کتابدار را کسی که از این گنج مراقبت می‌کند. کتابداران قدیمی ایران مثلاً در کتابخانه آستان قدس این شغل را از پدران به ارث می‌بردند. اخلاق و امانتداری دو ویژگی اصلی‌شان بود. زمانی که هنوز چاپ نیامده بود و باید از نسخه‌های قدیمی نگهداری می‌شد. وقتی سال ۴۷ انصاری دوباره به ایران برگشت، رشته کتابداری تاسیس شده و ساختمان کتابخانه مرکزی تمام شده بود.

تابلویی در خیابان کندی

«مصاحبه سهمگین» سال ۵۸ انجام شد، آبان‌ماه ۵۸، ولی چند سالی طول کشید تا بالاخره منتشر شود. ایرج افشار، علی‌نقی منزوی، کامران فانی، حسین آذرنگ، فرخ امیرفریاری، ناصر پاکدامن و نوشین انصاری. چند نفر از جبهه کتابداری سنتی و چند نفر کتابداری مدرن: «نتیجه‌اش صلح بود. آقای امیرفریاری این مصاحبه سهمگین را ترتیب داد. بسیار پرسشگر بود. یکبار هویدا آمده بود کتابخانه مرکزی، با این‌که از قبل چندبار سفارش کرده بودم: امیرفریاری نمی‌روی جلوی نخست‌وزیر را بگیری‌ها، رفت و گفت این چه وضعی است، چرا سانسور می‌کنید و چه و چه. فکر نمی‌کنم هیچ‌کدام از ما در آن مسابقه برنده شدیم، اما رسیدیم به این‌جا که باید همدیگر را ببینیم. کتابداری سنتی نمی‌تواند در برابر مدرنیته روی پای خودش بایستد و کتابداری مدرن هم نمی‌تواند بدون ریشه‌هایش رشد کند. شناختن سنت گاهی در دسرساز می‌شود.» داستان بحث‌های سنت و مدرنیته از چند اتفاق آب می‌خورد. نوش‌آفرین انصاری وقتی آن روزها را به یاد می‌آورد سرش را به صندلی تکیه می‌دهد، وقتی اسم ایرج افشار می‌آید، لبخند می‌زند و وقتی یاد اشتباهات در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران می‌افتد، سرش را تکان می‌دهد. به عقب‌تر برمی‌گردد. به سال ۴۷ که تازه از کانادا برگشته بود و با همسرش دکتر مهدی محقق در حال قدم‌زدن در خیابان کندی (توحید) تابلویی گروه آموزشی کتابداری را دیدند: «دیدم یک آقای آمریکایی خیلی تنومند نشسته پشت میز. گفت من جان هاروی هستم. گفتم من هم نوشین انصاری‌ام و فوق‌لیسانس کتابداری گرفته‌ام. گفت

انتخاب می‌کنی و بقیه را به آن ارجاع می‌دهی. این سرعنوان که ویرایش اخیرش الکترونیکی درمی‌آید، یکی از عوامل اتحاد تمام کتابخانه‌های ایران است. دوستان با اطلاعات‌شان و عضویت در کمیته‌های بین‌المللی برای ایران حفظ آبرو می‌کردند و گسترش‌ها را در سرعنوان‌ها به وجود می‌آوردند. مثلاً شما رده تاریخ اروپا را دارید و اینها آمدند رده تاریخ ایران را ساختند. همین قدرت و توانمندی استثنایی خودش را به کتابخانه ملی تحمیل کرد و اگر نکرده بود کتابخانه ملی ما هیچ نداشت. کتابخانه ملی ما هر چه دارد، از انتشارات، از نشریات و از کارهای فنی، از قبل این افراد است.» کسانی که کارهای فنی کتابداری را انجام می‌دادند و انصاری برای ورودشان به دانشگاه تلاش می‌کرد. انصاری ۱۵ سال مدیر گروه کتابداری بود. «از یک زمانی به بعد بعضی همکاران شغل‌هایی خارج از گروه پیدا کردند و ذهن‌شان پراکنده شد. می‌خواستم به‌عنوان مدیر گروه بهترین اساتید را به کلاس‌ها ببرم. یک سر کتابداری در نظر است و یک سرش در عمل. دوست داشتم کتابداری سر کلاس برود که بگوید من چنین کردم و شد. نه این‌که همه‌اش از کتاب‌های خارجی مثال بیاورد. معلمانی می‌خواستم که از کادرهای دانشگاه نباشند، اهل عمل باشند، می‌خواستم رؤسای کتابخانه‌ها بیایند درس بدهند. دانشگاه مخالفت کرد. می‌خواستم نسرین‌دخت عماد کتابخانه تخصصی را بگویند، پرویز عازم کتابخانه عمومی را و علی میرزایی کتابخانه تخصصی از نوع دیگر و نورالله مرادی آرشیو را بگویند. همان فارغ‌التحصیلانی که کارهای بی‌نظیر انجام داده بودند، اما این افراد اجازه نیافتند تجربه‌های ایرانی‌شان را بیان کنند. این مسأله، هم آنها را ضعیف کرد و هم سیستم آموزش را در دانشگاه. دانشگاه ما تماماً دیوار و سد است و با جامعه مرتبط نمی‌شود.»

درباره ایرج افشار و پوری سلطانی دانش‌پژوه گفته بود: «ایران هیچ‌وقت از تجمیع نفع نبرده است. اگر خدای نکرده جنگ شود، میراث چند هزارساله از بین می‌رود و تو مسئولی.» تمام دوران جنگ انصاری دعا می‌کرد اتفاقی برای کتابخانه مرکزی نیفتد که کتاب‌ها از بین بروند. انتقال کتاب‌ها از دانشگاه حقوق به کتابخانه مرکزی آب را بین سنت و مدرنیته در کتابداری گل‌آلود کرد. قرار بود کتاب‌های

همان زمانی که تدریس را شروع کرد، برای ریاست کتابخانه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران دعوت شد. بزرگترین کتابخانه ایران. گفت من یک اتاق مرجع می‌خواهم. تالاری که کتاب‌های وقفی علی‌اصغر حکمت در آن بود، انتخاب شد، آخرین اتاق طبقه نخست دانشکده ادبیات: «یکی از شرایط وقف این است که نباید کتاب‌ها را جابه‌جا کنید. گفتیم کتاب‌های آقای حکمت را با نهایت احترام بفرستیم به کتابخانه مرکزی که تازه ساخته شده و این اتاق را به اتاق مرجع تبدیل کنیم و نخستین تالار مرجع که در ایران به وجود آمد. الان نمی‌دانم چه اتفاقی در آن اتاق می‌افتد. آن زمان دیگر استاد حکمت نمی‌شنید و من چندین ساعت فریاد می‌زدم که استاد این خیلی مهم است و اجازه دهید که کتاب‌ها برود. مجموعه بسیار بی‌نظیری بود.» در تالار مرجع، کسانی مثل محمدحسن گنجی و عبدالحسین زرین‌کوب آرام می‌نشستند و لغت‌نامه را درمی‌آوردند و کار می‌کردند. تورهایی برای آشنایی دانشجویان با این اتاق برگزار شد و مجوز گرفتند که در کلاس‌ها کارشان را معرفی کنند: «می‌گفتیم هر سوالی داشته باشید اگر هم کتابدار ما نتواند همان موقع جواب بدهد، جواب را پیدا می‌کنیم و تماس می‌گیریم. هنوز جامعه، کتابدار را به‌عنوان پاسخگو نمی‌شناخت و وقتی کتابدار بالای سر مراجعه‌کننده می‌رفت و می‌پرسید آیا می‌توانم کمکتان کنم، واقعا وحشت می‌کردند و فکر می‌کردند کتابدار یک موجود نگهبان است و سواد چندانی هم ندارد. هنوز هم به گمان من این تصویر از کتابدار هست.»

سال ۵۱ مدیر گروه کتابداری دانشگاه تهران شد و از کتابخانه دانشکده ادبیات رفت. در زمان تاسیس گروه، مرکز خدمات کتابداری هم در وزارت علوم تاسیس شد. پوری سلطانی و دیگر اعضای مرکز، فارغ‌التحصیلان را «گلچین» می‌کردند و به آن مرکز می‌بردند. بعضی‌ها مثل کامران فانی و خرماشاهی اهل تدریس نبودند: «این مرکز تمام کتاب‌های چاپی را فهرست‌نویسی می‌کرد، کاربرگه چاپ می‌کرد و از همه مهم‌تر رده‌السی و کنگره و دیویی می‌داد که دو نوع کتابخانه می‌توانست از این خدمات استفاده کند. مرکز در سرعنوان موضوعی فارسی و استانداردسازی و ژه‌ها نقش بی‌نظیری داشت. سرعنوان‌های موضوعی فارسی یعنی یک عنوان

پایه و ستون در کتابداری است.» چهره‌ای جدی به خودش می‌گیرد، لابد مثل آن وقت‌ها که افشار بر گه مرخصی کارکنان را می‌دید: «خیلی نسبت به خانم‌ها که مرخصی می‌خواستند کم‌تحمّل بود. فکر می‌کرد کسی که می‌آید سرکار باید بقیه چیزها را کنار بگذارد. اما آنچه در مورد افشار مهم است توجه به ایران است و احترام برای کتابدارانی که ایرانی فکر می‌کنند و دنبال راه ایران هستند. هندی‌ها ضرب‌المثلی دارند که می‌گوید باید راه هندی را پیدا کنیم.»

به پوری سلطانی می‌رسد. یاد او برایش یاد یک عزیز سفرکرده است، مثل وقتی که از توران میرهادی حرف می‌زند. وقتی از کانادا برگشت سلطانی را دید که جزو نخستین فارغ‌التحصیلان کتابداری در ایران بود. او بود که به همراه مهین تفضلی و در وزارت علوم با حمایت مجید رهنما کمک کردند تا انصاری به گروه کتابداری برود. آشنایی‌شان از آنها بود که انگار قرن‌هاست همدیگر را می‌شناختند: «توانست مشکلات زندگی و آنچه را در زندگی بر او گذشت، با قدرت برگرداند و یک شخصیت خیلی استثنایی از خودش بسازد. شخصیتی که تمامش به حرفه داده شد. کتابداری برایش راه نجات بود، به کتابداری باور داشت و افراد زیادی را تربیت کرد. همیشه پاسخگو بود. این اواخر به دلیل گرفتاری‌هایش در کتابخانه ملی خیلی کم او را می‌دیدیم. علاقه‌مند به تولید منابع پایه در کتابداری بود.» زمانی نیز با هم اختلاف عقیده پیدا کردند. وقتی انصاری در زمان ریاست عالیخانی در دانشگاه تهران تلاش می‌کرد لیسانس کتابداری در ایران تاسیس شود و پوری سلطانی مخالف بود: «خیلی‌ها در ایران با لیسانس کتابداری مخالف بودند، می‌گفتند دانشجو باید یک علم پایه داشته باشد و بعد کتابدار آن رشته شود و روش‌های اشاعه و مهندسی این اطلاعات را انجام دهد. اما بحث ما این بود که اگر کادرهای زیرین ما غیرکتابدار باشند، سیستم روی پای خودش نمی‌ایستد. من چقدر می‌توانم در کادرهای پایین پرسنل ارشد استخدام کنم.» سلطانی همیشه به انصاری می‌گفت تو عینکت صورتی است، همه آدم‌ها را خوب می‌بینی.

انصاری بعد از بازنشستگی همه وقتش را به شورای کتاب کودک داد و حالا در نبود توران میرهادی مدیر شورا است: «یک چیزهایی مرا آزرده، آن قدر که در روز سی‌ام ۳۰ سال

غیرحقوقی دانشکده حقوق به کتابخانه مرکزی منتقل شود. ایده تخصصی‌شدن کتابخانه‌های دانشکده‌ای، برای کتابخانه‌هایی که ۳۰-۴۰ سال عادت کرده بودند خودشان یک کتابخانه مرکزی باشند. کتابخانه وقفی دکتر مصدق در همین جریان تفکیک شد، بدون این‌که «کتابداران حس ایران را نسبت به دکتر مصدق درک کنند.» کتاب‌هایی با مهر بیضی محمد مصدق که بسیاری از آنها ادبی بودند: «وقتی پای وقف به میان می‌آید دیگر قابل انتقال و تفکیک‌شدن نیست. و او ایلا شد. گفتند اصلاً این مدرن‌ها را سیل ببرد. شاید ایده تخصصی‌شدن برای ایران سودمند نبود.» گروهی از جوانان کتابدار به سمت استادان قدیمی رفتند، می‌گفتند جدیدی‌ها هیچ حرفی برای گفتن ندارند و سنت بر باد رفته. «یکی از کسانی که این ایده را داشت، آقای حسین آذرنگ بود که دنبال ایجاد شر بود. موج نو را در مقابل دریای سنت مطرح کردند، موج نو را خیلی کوچک می‌دیدند و دریای سنت را خیلی بزرگ. خیلی حرکت هیجانی و در عین حال جالبی بود و به ما این هشدار را داد که متوجه عظمت سنت باشیم.» سال ۵۸ بالاخره نمایندگان دریای سنت محمدتقی دانش‌پژوه، ایرج افشار و عبدالحسین حائری در مصاحبه‌ای با نمایندگان کتابداری مدرن روبه‌رو شدند: «نتیجه‌اش صلح بود. وقتی آقای دانش‌پژوه به من می‌گویند کتابداری نسخ خطی را اداره کن، یعنی سنت می‌آید طرف مدرنیته و می‌گویند با هم کار کنیم. خیلی آموزنده بود.»

انصاری هر بار درباره ایرج افشار حرف می‌زند، او را «دوست عزیزم» می‌خواند: «خیلی آدم گرفتاری بود، زیاد حوصله تدریس نداشت. معتقد بود دانشجو باید خیلی زحمت بکشد. اگر می‌توانست، کمک می‌کرد. اما این‌که ناز دانشجو را بکشد و به او تکلیف بدهد و گزارش بخواهد نه. خیلی کم‌حوصله بود، اما کارهای بزرگی انجام داد، کتابخانه عظیمی مثل کتابخانه مرکزی را ساخت. او بود که کسی مثل سیدمحمد مشکات را راضی کرد کتابخانه‌اش را به ایران هدیه کند، درحالی‌که می‌توانست میلیون‌ها به خارج از ایران بفروشد. گروه‌های بزرگی را به اروپا فرستاد که در آنتیک‌فروشی‌ها کتاب‌های مهم مربوط به ایران را بخرند. یک ایران‌دوست بزرگ که به گردآوری منابع توجه داشت و می‌خواست آنچه دیگران درباره ایران نوشته‌اند برای ایران حفظ شود. او یک

کتابخانه را اداره کند. هر جلسه‌ای باشد فضای کتابخانه گزینه نخست آن است، هر جا کلاس کم بیاید، کتابخانه حذف می‌شود هیچ‌وقت پیش نیامد برای آموزش کتابداران مدارس سراغ شورای کتاب کودک بیایند، جایی که توران میرهادی سال‌ها عمرش را برای آن گذاشت و می‌گفت: کتابخانه قلب مدرسه است. آموزش‌وپرورش هم مثل دانشگاه در برخورد با سازمان‌های مردم‌نهاد بسته است. برای همین است که هنوز نتوانسته برای خودش یک کتابخانه درجه یک تاسیس کند که همه مدارس ایران بتوانند از آن ایده، لیست و تغذیه بگیرند.»

برای عکس گرفتن آماده می‌شود، می‌گوید برویم کنار درخت آرزوها. کنار میزی که ردیف کتاب‌ها، دست‌نوشته‌ها و کاغذها در کنار هم چیده شده‌اند. با همان مانع و مقنعه سیاه همیشگی که در بیشتر عکس‌ها و مراسم دیده می‌شود. «مصاحبه سهمگین» را نشان می‌دهد که در کتاب زندگی و کارنامه مطبوعاتی ایرج افشار منتشر شده. صدای‌شان از میان سطرهای مصاحبه به گوش می‌رسد که اتفاقات کتابداری را به رخ هم می‌کشند و از هم جواب می‌خواهند.

از برنامه هفته پیش کتابخانه‌ای در پاکدشت می‌گوید، بیشتر کسانی که آمده بودند برای کنکور درس می‌خواندند: «می‌دانی چرا این طوری شد؟ چون کسانی که مسئولیت تصمیم‌گیری دارند در کودکی لذت کتاب خواندن نبردند و هیچ‌وقت کتاب را همیشه همراه خود نشناخته‌اند.»

منبع: شهروند

کارم تقاضای بازنشستگی دادم و خوشبختانه پذیرفته شد. تصمیم گرفتم در جایی که قیدوبند است نمانم. جایی که به جای آوردن نمونه‌های درخشان در کلاس و امیدوارکردن دانشجویان، تکرار مکررات آدم‌هایی است که از تجربه دورند و فقط کتاب‌های پیشین را فرقه می‌کنند. سال‌های دهه ۷۰ همه چیز سیاسی شده بود و بعضی دانشجویان با رنگ‌های ایدئولوژیک در کار اساتید مداخله بیجا و غیرعلمی می‌کردند. بچه‌ها می‌توانند نظرات‌شان را داشته باشند، ولی چیزی که باید در برابر یک استاد بپذیرند، علم او است. باید قدرت پیدا کنند، تفسیر بپذیرند و در عقیده‌شان متعصب نباشند. خب تم رمان عشق است و اگر استاد بخواهد ادبیات معاصر درس بدهد باید چه کار کند؟ این‌که بچه‌ها به متن یک استاد مسلم ایراد بگیرند و بگویند چرا در این رمان این موضوع مطرح شده، یعنی بزرگ کردن چیزهای کوچک و بعد محکوم کردن آن عالم. این برخوردها را نمی‌پسندیدم. دانشجو می‌آید که بیاموزد و رشد کند و فکرش باز شود.» مسأله دیگری که از نظر او به کتابداری ضربه زد، تعطیلی انجمن کتابداران بود: «هنوز داریم ضربه ۲۲ سال سکوت انجمن را می‌خوریم. فکر می‌کنم آن سال‌ها ناگهان با این مسأله مواجه شدند که ۹۰ درصد کتابدارها خانم بودند. تحمل این همه زن درس‌خوانده و صاحب نظر آنها را گپیچ کرد.»

بحث که به کتابخانه مدارس می‌رسد، می‌گوید هیچ‌وقت در ایران موفق نبوده‌اند: «مسئولان فکر می‌کنند هر کسی می‌تواند

علی اشرف درویشیان در گذشت!



علی اشرف درویشیان داستان نویس، پژوهشگر حوزه ادبیات مردمی و فعال سیاسی پنجشنبه چهارم آبان ماه ۱۳۹۶ در سن ۷۶ سالگی درگذشت

علی اشرف درویشیان در سوم شهریور سال ۱۳۲۰ در یک خانواده کارگری در محله آبشوران شهر کرمانشاه به دنیا آمد. در سال ۱۳۳۷ دانشسرای مقدماتی را گذراند و سپس برای معلمی به روستاهای اطراف کرمانشاه و گیلانغرب رفت. در سال ۱۳۴۵ تحصیل در رشته ادبیات فارسی را در دانشگاه

نامالیامات و محرومیت‌های مردم را بیان می‌کند. وی می‌گوید پس از مرگ صمد بهرنگی در سال ۱۳۴۷، کوشیده تا راه او را ادامه بدهد.

از این نویسنده و پژوهشگر مردمی آثار متعددی منتشر شده است که «بیستون»، «آبشوران»، «فصل نان»، «همراه آهنگ‌های بابام»، «گل طلا و کلاش قرمز»، «ابر سیاه هزارچشم»، «روزنامه دیواری مدرسه ما»، «رنگینه»، «کی برمی‌گرددی داداش جان»، «آتش در کتابخانه بچه‌ها»، «چون و چرا»، «داستان‌های محبوب من» (با همکاری رضا خندان مهابادی)، «سلول ۱۸»، «سی‌ودو سال مقاومت در زندان‌های شاه» و «افسانه‌ها و مثل‌های کردی» از آن جمله‌اند.

«سال‌های ابری» (۲ جلد)، «درشتی»، مجموعه ۲۰ جلدی «فرهنگ افسانه‌های مردم ایران» (با همکاری رضا خندان مهابادی)، «واژه‌نامه گویش کرمانشاهی»، «یادمان صمد» (صمد بهرنگی)، «شب آبستن»، «از این ولایت»، «قصه‌های آن سال‌ها»، «هفت مرد، هفت داستان»، «خاطرات صفر خان» (صفر قهرمانیان) و «دانه و پیمان» (با همکاری رضا خندان مهابادی) نیز از دیگر آثار این نویسنده و پژوهشگر هستند.

نام پر آوازه علی اشرف درویشیان همواره بر تارک رزم زحمتکشان ایران خواهد درخشید. او از زمره نویسندگانی بود که در راه آزادی و عدالت اجتماعی با تمام وجود مایه گذاشت و در این راه از هیچ کوششی دریغ نکرد. تحریریه سایت فرقه دمکرات آذربایجان این ضایعه بزرگ را به خانواده او، به نویسندگان و مبارزان راه آزادی و عدالت اجتماعی و زحمتکشان کشور تسلیت می‌گوید.

تهران آغاز کرد و پس از دریافت مدرک کارشناسی، تحصیلات خود را در مقطع کارشناسی ارشد در رشته روان‌شناسی تربیتی ادامه داده و همزمان در دانشسرای عالی تهران در رشته مشاوره و راهنمای تحصیلی به تحصیل پرداخت.

درویشیان در زمان حکومت محمد رضا پهلوی، از سال ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۷ برای نگارش کتاب «از این ولایت» و فعالیت‌های سیاسی، سه بار دستگیر و ممنوع‌القول شد. دستگیری اول وی در کرمانشاه ۸ ماه به طول انجامید، اما درویشیان ۲ ماه بعد در تهران دوباره دستگیر و به ۷ ماه زندان محکوم شد. وی همچنین به دنبال این حکم از دانشگاه اخراج و از معلمی نیز منصرف گردید. دستگیری بعدی درویشیان در ۱۳۵۳ اتفاق افتاد که منجر به صدور حکم ۱۱ سال زندان برای او شد. درویشیان از این تاریخ به زندان رفت و تا پیروزی انقلاب بهمن در زندان ماند. پس از انقلاب نیز علی اشرف درویشیان چندین بار به دلیل فعالیت سیاسی به زندان افتاد.

درویشیان در داستان‌هایش به زندگی زحمتکشان می‌پردازد. همچنین بسیاری از داستان‌های درویشیان بخش‌هایی از زندگی اجتماعی خودش را به تصویر می‌کشد. وی آغاز آشنایی خود با قصه و قصه‌گویی را از سنین کودکی و از طریق داستان‌های مادر بزرگ و پدرش عنوان می‌کند و همچنین فضای فرهنگی ابتدای دهه سی خورشیدی را در بارور شدن ذهنیت خود مؤثر می‌داند. درویشیان نخستین داستان خود را که هرگز منتشر نشد در زندان دیزل آباد کرمانشاه نگارش کرد.

وی در آثارش به شاگردان خود و نیز محیط فقرزده شهر

کرمانشاه و روستاهای اطراف آن می‌پردازد و بسیاری از

فرقه دموکرات آذربایجان پروسه‌های منطقه‌ای و جهانی را مد نظر داشته، با بیش از نیم قرن تجربه فعالیت سیاسی و با درس عبرت گرفتن از ناکامی و پیروزی‌های گذشته مبارزه ملی مردم آذربایجان را جهت داده، فعالیت خود را در مقیاسی جدید ادامه می‌دهد.

پیشه‌وری

اعتراض کنفدراسیون بین‌المللی اتحادیه‌های کارگری به سرکوب فعالین کارگری در ایران



شهر اعزام و در بخش مراقبت‌های ویژه بستری شد. این فعال کارگری تا روز سه شنبه در بیمارستان بستری بود و علاوه بر اینکه سه مامور زندان سقز مراقبش هستند، پای او به تخت بسته شده است.

دبیرکل کنفدراسیون بین‌المللی اتحادیه‌های کارگری در نامه خود همچنین تاکید کرد که محمود صالحی نباید به زندان بازگردانده شود و تمامی اتهام‌های وارد شده به او باید لغو شوند.

خانم بارو در بخش دیگری از نامه‌اش اشاره کرد که برخورد با ابراهیم مددی و داوود رضوی، دو عضو هیئت مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، ادامه دارد. این سندیکا اخیراً اعلام کرد که ابراهیم مددی برای گذراندن دوره ۵ سال و سه ماه حبس خود احضار شده و دادگاه تجدیدنظر ابراهیم رضوی نیز برگزار شده است. داوود رضوی پیشتر به پنج سال زندان محکوم شده است.

شارون بارو در بخش از نامه خود همچنین نوشت که کمیته آزادی تشکل‌ها، وابسته به سازمان بین‌المللی کار، اخیراً از مقام‌های جمهوری اسلامی ایران خواسته بود تا آزادی فعالیت تشکل‌های کارگری را به رسمیت بشناسند و فعالان کارگری محکوم به زندان نشوند.

دبیرکل کنفدراسیون بین‌المللی اتحادیه‌های کارگری با ارسال نامه ای به علی خامنه ای رهبر حکومت ایران از وضعیت جسمانی محمود صالحی عمیقاً ابراز نگرانی کرده است.

دبیرکل کنفدراسیون بین‌المللی اتحادیه‌های کارگری روز سه‌شنبه ۱۶ آبان به علی خامنه ای نامه نوشته و از ادامه برخورد با تشکل‌های مستقل کارگری و فعالان کارگری در ایران انتقاد کرده است.

خانم شارون بارو در نامه خود به آیت‌الله خامنه‌ای با اشاره به بازداشت محمود صالحی، فعال کارگری در سقز، از سوی نیروهای لباس شخصی عمیقاً از وضعیت جسمانی او ابراز نگرانی کرد. بر اساس گزارش‌ها، این فعال کارگری که در دادگاه تجدیدنظر به یک سال زندان محکوم شده است، از بیماری‌های متعددی رنج می‌برد.

صالحی که به طور رسمی اعلام کرده که در سال ۹۴ کلیه های خود را در بازداشتگاه اداره اطلاعات سنندج از دست داده است، از بیماری قلبی و دیابت هم رنج می‌برد و سارمند صالحی، فرزندش، پیشتر اعلام کرده بود که پدرش در سال جاری دو بار تحت عمل جراحی قلب قرار گرفته است.

محمود صالحی روز ۱۲ آبان به دلیل ناراحتی شدید قلبش به درمانگاه زندان سقز و سپس به بیمارستان «امام خمینی» این

سه تا هفت میلیون کودک کار در کشور وجود دارد



با عنوان پیشگیری از آسیبهای اجتماعی وجود دارد که به طور ویژه در این بخش فعالیت می کند.

وی در ارتباط با دختران فراری نیز گفت: از دهه 70 خانه های سلامت مخصوص دختران فراری راه اندازی شد که سال گذشته 1200 دختر فراری در مراکز یاد شده خدمات دریافت کردند. هم اکنون 22 مرکز خانه امن در کشور وجود دارد که 1600 زن که خشونت را تجربه کرده اند مراجعه و خدمات دریافت کردند.

درخشان نیا افزود: بر این اساس برای خانه های امن که برای زنان خشونت دیده را تجربه کردند برای شناسایی آنها با همکاری دانشگاه علوم پزشکی در 15 استان به عنوان پابلوت مشخص شد که کدام استانها بالاترین و یا کمترین خشونت دارند و نتیجه آن منتشر نشده است.

به گزارش ایرنا، مرکز حمایتی آموزشی کودک و خانواده و کار شهرستان زنجان از طریق موسسه خیریه ای که تحت نظارت بهزیستی قرار دارد از تیر سال گذشته آگار بکار کرده و تا کنون 69 کودک را شناسایی و حمایتی برای کودکان و خانواده آنها ثبت کرده است.

مدیر کل دفتر امور آسیب دیدگان اجتماعی سازمان بهزیستی کشور: متأسفانه سامانه ای برای ثبت کودک کار در کشور تعریف نشده و به طور قطع آمار دقیقی وجود ندارد اما براساس تخمین و برآوردهای سازمانهای مردم نهاد سه تا هفت میلیون کودک کار در کشور وجود دارد .

بین کودک کار و خیابانی تفاوت های وجود دارد و دفتر امور آسیب دیدگان اجتماعی بهزیستی بر اساس آئین نامه مصوب مکلف به ارائه خدمت به کودکان خیابانی قرار داده که امسال یا سال آینده بر مداخلات کودکان قرار خواهد داد.

به گفته درخشان نیا ، کودک کار به کسی اطلاق می شود که در منزل بهره برداری کاری می شود یا در کارگاهها و مشاغل دیگری حتی زباله گردی نیز فعالیت می کنند و این سازمان با همکاری وزارت کار، تعاون و رفاه اجتماعی پیگیر این موضوع است..

وی در ارتباط با آسیبهای نو پدید اجتماعی نیز در جامعه ادامه داد: وقتی شرایط اجتماعی تغییر می یابد ، جنس مسائل اجتماعی تغییر یافته و در این میان بحث فضای مجازی اهمیت ویژه ای دارد و در این ارتباط دفتری دیگری در این سازمان